



Research Paper

Free Zones Diplomacy and Its Consequences on Development Sustainability in the Iranian Islands of the Persian Gulf

Mojtaba Salimi ¹ Mojtaba Jahangiri ^{*2} Nematollah Nezamivand Chegini ³

¹ Assistant Professor, Hormoz Center for Studies and Research, Bandar Abbas Branch, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.

² Master of Science in Political Geography, Tehran Branch, Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Master of Science in Political Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

Keywords

Free Zones Diplomacy, Sustainable Development, International Sanctions, Iranian Persian Gulf Islands, International Networking.

ABSTRACT

This study aimed to analyze the role of free zones diplomacy in the sustainable development of the Iranian islands in the Persian Gulf, emphasizing the moderating role of international sanctions. The research scope encompassed the islands of Kish, Qeshm, and Hormuz, with a statistical population consisting of 85 senior managers and experts from free zone organizations, the Ministry of Foreign Affairs, university professors, and economic activists. The sample size was determined as 69 individuals using Cochran's formula, selected through stratified random sampling, ultimately yielding 62 complete questionnaires with a response rate of 89.85%. This applied-developmental and descriptive-analytical study employed a mixed-methods approach with a sequential exploratory design. In the qualitative phase, interviews were conducted with 15 experts and upstream documents were analyzed, while in the quantitative phase, data were analyzed using structural equation modeling with SPSS and SmartPLS software. Data collection tools included interviews and a researcher-made questionnaire with 42 items, whose validity was confirmed through expert opinion and confirmatory factor analysis, and reliability was established with Cronbach's alpha of 0/94. The research innovation lies in explaining the moderating role of sanctions in the relationship between free zones diplomacy and the three dimensions of sustainable development, as well as presenting an indigenous model. The findings identified five main components including international networking with the strongest impact (0/42), transparent policymaking, human resource empowerment, innovation and technology, and attention to sustainable development. Free zones diplomacy had the greatest impact on economic development (0/65) and the least on environmental development (0.28). Sanctions played a significant negative moderating role with a coefficient of -0/35. The final model explained 58% of the variance in economic development, 45% of the variance in social development, and 32% of the variance in environmental development, respectively.



*Corresponding Author: Mojtaba Salimi

Email Address: mojtabasalimi@hormozgan.ac.ir

Salimi, M., Jahangiri, M. & Nezamivand Chegini, N. (2026). Free Zones Diplomacy and Its Consequences on Development Sustainability in the Iranian Islands of the Persian Gulf. *Human Ecology*, 5(14), 2169-2193.



DOI: <https://doi.org/10.22034/he.2026.577467.1202>



دیپلماسی مناطق آزاد و پیامدهای آن بر پایداری توسعه در جزایر ایرانی خلیج فارس

مجتبی سلیمی^۱، مجتبی جهانگیری زرکانی^۲ *، نعمت اله نظامیوند چگینی^۳

۱ استادیار مرکز مطالعات و پژوهش هرمز، واحد بندرعباس، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

۲ کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، واحد تهران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳ کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

واژگان کلیدی

دیپلماسی مناطق آزاد، توسعه پایدار، تحریم‌های بین‌المللی، جزایر ایرانی خلیج فارس، شبکه‌سازی بین‌المللی.

اسکن کنید



چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش دیپلماسی مناطق آزاد در پایداری توسعه جزایر ایرانی خلیج فارس با تأکید بر نقش تعدیل‌گر تحریم‌های بین‌المللی انجام شد. محدوده پژوهش جزایر کیش، قشم و هرمز و جامعه آماری شامل ۸۵ نفر از مدیران و کارشناسان ارشد سازمان مناطق آزاد، وزارت امور خارجه، اساتید دانشگاهی و فعالان اقتصادی بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۶۹ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای- تصادفی انتخاب شدند که در نهایت ۶۲ پرسشنامه کامل با نرخ بازگشت ۸۹/۸۵ درصد تحلیل شد. این مطالعه کاربردی- توسعه‌ای و توصیفی- تحلیلی با رویکرد آمیخته و طرح اکتشافی متوالی است. در فاز کیفی، مصاحبه با ۱۵ خبره و تحلیل اسناد بالادستی انجام شد و در فاز کمی، داده‌ها با مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS تحلیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه و پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۲ گویه‌ای بود که روایی آن با نظر خبرگان و تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۹۴ تأیید شد. نوآوری پژوهش در تبیین نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها در رابطه دیپلماسی مناطق آزاد و ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار و ارائه مدل بومی است. یافته‌ها پنج مؤلفه اصلی شامل شبکه‌سازی بین‌المللی با قوی‌ترین تأثیر (۰/۴۲)، سیاست‌گذاری شفاف، توانمندسازی منابع انسانی، نوآوری و فناوری و توجه به توسعه پایدار را شناسایی کرد. دیپلماسی مناطق آزاد بیشترین تأثیر را بر توسعه اقتصادی (۰/۶۵) و کمترین را بر توسعه زیست‌محیطی (۰/۲۸) داشت. تحریم‌ها با ضریب (۰/۳۵-) نقش تعدیل‌گر منفی معناداری ایفا کردند. مدل نهایی توانست به ترتیب ۵۸ درصد از واریانس توسعه اقتصادی، ۴۵ درصد از واریانس توسعه اجتماعی و ۳۲ درصد از واریانس توسعه زیست‌محیطی را تبیین کند.

۱. مقدمه

سازماندهی و مدیریت فضاهای جغرافیایی در سطوح مختلف، نیازمند بهره‌گیری از الگوهای حکمرانی چندسطحی است. این الگوها به تنظیم روابط عمودی و افقی میان نهادهای تصمیم‌گیر، توزیع اختیارات و تحقق خودگردانی محلی کمک می‌کنند (Agnew, 2013). در جغرافیای سیاسی، چنین سازماندهی فضایی با مفاهیمی چون دولت محلی و حکومت محلی تبیین می‌شود و هدف این مفاهیم، افزایش کارآمدی مدیریت فضا، ارتقای مشارکت محلی و پاسخگویی بهتر به نیازهای توسعه‌ای مناطق است (Johnston et al., 2016). مناطق آزاد تجاری-صنعتی، شکلی نوین از حکمرانی محلی و سازماندهی فضایی به شمار می‌روند که با هدف افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی، تسهیل تجارت و جذب سرمایه‌گذاری طراحی شده‌اند (Farole, 2011). فلسفه شکل‌گیری آن‌ها بر این پیش‌فرض استوار است که سرمایه و تجارت خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی و ارتقای جایگاه کشورها در نظام اقتصاد جهانی دارند (UNCTAD, 2019)؛ از این‌رو، مناطق آزاد به‌عنوان ابزاری برای توسعه صادرات، انتقال فناوری و ایجاد اشتغال، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند (Madani, 1999). تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که این مناطق در صورت برخورداری از چارچوب نهادی کارآمد و پیوند مؤثر با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، می‌توانند نقش مهمی در توسعه صنعتی و افزایش رقابت‌پذیری ایفا کنند (World Bank, 2017). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، گذار از اقتصاد مبتنی بر صادرات مواد خام به سمت تولید کالاهای صنعتی، با تکیه بر همین مناطق صورت گرفته است (Rodriguez-Pose & Hardy, 2015). در ایران، مناطق آزاد از اواخر دهه ۱۳۶۰ به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری فضایی و اقتصادی شکل گرفتند و به تدریج جایگاه ویژه‌ای در اسناد توسعه‌ای کشور پیدا کردند (رضوانی و موسوی، ۱۳۹۳). با این حال، ساختار حکمرانی دوگانه این مناطق (مدیریت سیاسی فضا در کنار مدیریت سازمانی) چالش‌هایی در زمینه هماهنگی نهادی، تصمیم‌گیری و تحقق اهداف توسعه‌ای ایجاد کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴) و این چالش‌ها در شرایط خاص اقتصاد سیاسی ایران، اهمیت مضاعفی می‌یابند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر عملکرد مناطق آزاد ایران، تحریم‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی است؛ این تحریم‌ها دسترسی به بازارهای جهانی را محدود کرده، سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش داده، نظام بانکی را دچار اختلال می‌کنند و هزینه‌های مبادلات بین‌المللی را افزایش می‌دهند (Hufbauer et al., 2009). در چنین شرایطی، مناطق آزاد می‌توانند به‌عنوان فضاهای انعطاف‌پذیر اقتصادی، نقش مهمی در کاهش آثار منفی تحریم‌ها و حفظ پیوندهای تجاری منطقه‌ای ایفا کنند (Torbat, 2018). از سوی دیگر، محیط جغرافیایی و همجواری سرزمینی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تعاملات اقتصادی و سیاسی کشورها دارد؛ کشورهایی که در یک منطقه ژئوپلیتیکی مشترک قرار دارند، ناگزیر از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و این تعاملات در صورت وجود اشتراکات تاریخی، فرهنگی و اقتصادی، تقویت می‌شود (Dodds, Kuus & Sharp, 2013). منطقه خلیج فارس به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و راهبردی‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان، بستری مهم برای تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک است (Gause, 2010). جزایر ایرانی خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، دسترسی به آبراه‌های بین‌المللی و همجواری با کشورهای منطقه، از ظرفیت بالایی برای ایفای نقش در دیپلماسی اقتصادی برخوردارند (Alam, 2014). در شرایطی که دیپلماسی رسمی دولت با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها مواجه است، دیپلماسی مناطق آزاد می‌تواند به‌عنوان سطحی مکمل، زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی با کشورهای همسایه گردد (Ruel & Zuidema, 2012). این نوع دیپلماسی، در صورت طراحی هدفمند، قادر است ضمن کاهش بخشی از آثار منفی تحریم‌ها، به تحقق ابعاد مختلف توسعه پایدار (رشد اقتصادی متوازن، ارتقای کیفیت زندگی جوامع محلی و حفاظت از محیط‌زیست) در جزایر ایرانی خلیج فارس کمک نماید (Sachs, 2015). در اینجا لازم است مفهوم «دیپلماسی مناطق آزاد» روشن‌تر تبیین گردد: این مفهوم در کاربرد موسع خود، به خط‌مشی کلی دولت در بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی مناطق آزاد برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی اشاره دارد، اما در معنای مضیق و عملیاتی‌تر، عبارت است از مجموعه فنون، ابزارها و اقدامات دیپلماتیک که از طریق نهادهای مدیریتی مناطق آزاد و با هدف تسهیل تجارت فرامرزی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه همکاری‌های فناورانه و ایجاد شبکه‌های اقتصادی منطقه‌ای (به‌ویژه در شرایط تحریمی) به کار گرفته می‌شود (پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۸؛ برگرفته از وایت، ۱۳۷۹). این نوع دیپلماسی با مفاهیمی چون دیپلماسی تجاری، دیپلماسی سرمایه‌گذاری و دیپلماسی توسعه پیوند خورده و در کشورهایی مانند چین، امارات و ترکیه به کار گرفته شده است. مرور نظام‌مند ادبیات موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین در سه دسته قابل طبقه‌بندی هستند: (الف) مطالعاتی که به بررسی کارکردهای اقتصادی مناطق آزاد (به‌طور عام) پرداخته‌اند (مانند Farole, 2011؛ World Bank, 2017)؛ (ب) پژوهش‌هایی که بر چالش‌های حکمرانی مناطق آزاد در ایران متمرکز بوده‌اند (مانند حافظ‌نیا، ۱۳۹۴؛ رضوانی و موسوی، ۱۳۹۳)؛ (ج) و تحقیقاتی که اثرات تحریم‌ها را بر اقتصاد ایران واکاوی کرده‌اند (مانند Torbat, 2018؛ Hufbauer et al., 2009). با این وجود، هیچ مطالعه یکپارچه‌ای یافت نشد که به تحلیل هم‌زمان نقش «دیپلماسی مناطق آزاد» و تأثیر آن بر ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) در جزایر ایرانی خلیج فارس با تأکید بر شرایط تحریمی پرداخته باشد. همچنین، مفهوم دیپلماسی مناطق آزاد به‌عنوان یک مفهوم نوپدید در مطالعات روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی ایران، نیازمند تبیین نظری و آزمون تجربی

بیشتری است. این خلأ پژوهشی موجب شده است که پرسش‌های اساسی زیر بی‌پاسخ بمانند: دیپلماسی مناطق آزاد چه تأثیری بر پایداری توسعه در جزایر ایرانی خلیج فارس دارد؟ تحریم‌های بین‌المللی چه نقشی در این رابطه ایفا می‌کنند (نقش تعدیل‌گر)؟ مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی مناطق آزاد که بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار جزایر دارند کدامند؟ و چگونه می‌توان از ظرفیت دیپلماسی مناطق آزاد برای کاهش اثرات تحریم‌ها و دستیابی به توسعه پایدار بهره گرفت؟ پاسخ به این پرسش‌ها از آن جهت حائز اهمیت است که جزایر ایرانی خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، ظرفیت‌های گردشگری و اقتصادی و همچنین نقش آن‌ها در تأمین امنیت ملی و حاکمیت پایدار کشور، از اولویت ویژه‌ای در سیاست‌گذاری‌های کلان برخوردارند. از سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع ساختاری، نه تنها تعاملات بین‌المللی را محدود کرده، بلکه ظرفیت سرمایه‌گذاری و توسعه در این جزایر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، دیپلماسی مناطق آزاد می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد هوشمندانه، ضمن ایجاد شبکه‌های تجاری جایگزین و کاهش وابستگی به بازارهای غربی، زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری از کشورهای همسایه و دوست را فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف پر کردن خلأ پژوهشی یادشده و پاسخگویی به پرسش‌های فوق، درصدد است تا با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته (کیفی و کمی)، ضمن شناسایی مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی مناطق آزاد، تأثیر آن‌ها را بر ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار در جزایر ایرانی خلیج فارس سنجش کرده و نقش تعدیل‌گر تحریم‌های بین‌المللی را در این رابطه تحلیل نماید. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش ضمن غنی‌سازی ادبیات نظری در حوزه دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار، راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان مناطق آزاد در جهت بهینه‌سازی دیپلماسی اقتصادی و دستیابی به توسعه پایدار در جزایر ایرانی خلیج فارس باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم مناطق آزاد در طول پنج دهه اخیر دستخوش تحول معنایی و کارکردی عمیقی شده است. نخستین بار این اصطلاح در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ توسط هامادا^۱ و رودریگز^۲ مطرح شد و بر محدوده‌ای اطلاق می‌گردید که صرفاً با هدف تسهیل تجارت، از برخی حقوق و تشریفات گمرکی مستثنی می‌شد بدون آنکه فرآوری کالا یا سرمایه‌گذاری تولیدی محوریت داشته باشد. این مفهوم در سال ۱۹۷۶ توسط اقتصاددانی به نام وال با معرفی اصطلاح «مناطق صادرات‌ساز»^۳ توسعه یافت که تمرکز اصلی بر فرآوری و تکمیل کالاهای صادراتی معطوف بود. سپس در سال ۱۹۸۲، گرویل^۴ با ارائه تعریف جامع‌تری تحت عنوان «مناطق آزاد فعالیت اقتصادی»، ابعاد سرمایه‌گذاری، فرآوری و ورود/خروج کالا را یکپارچه بررسی کرد و پس از آن اصطلاح «مناطق صنعت‌گر»^۵ نیز به ادبیات این حوزه افزوده شد (حسین‌خانی، ۱۳۹۰). امروزه مناطق آزاد از مرحله موتاثر و پردازش ساده عبور کرده و طیف گسترده‌ای شامل مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه اقتصادی (که با عنوان مناطق پردازش صادرات نیز شناخته می‌شوند)، انبارهای محصور گمرکی^۶، بنادر آزاد^۷، مناطق شرکت‌ها یا کار و پیشه^۸ و مناطق گمرکی^۹ را در بر می‌گیرند. همچنین، فناوری‌های پیشرفته، پارک‌های علمی-تحقیقاتی، مناطق مالی تخصصی، مراکز لجستیکی پیشرفته و مراکز گردشگری یکپارچه نیز امروزه در قالب مناطق آزاد ظهور یافته‌اند (دهقانی، ۱۳۹۶). از منظر حقوقی، منطقه آزاد به محدوده‌ای گفته می‌شود که از شمول برخی مقررات ملی خارج بوده و کالاهای موجود در آن «خارج از قلمرو گمرکی» تلقی می‌شوند. این ساختار حقوقی ویژه، همراه با معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی و کاهش تشریفات اداری، سرمایه‌گذاری خارجی را به سمت تولید کالاهای صادراتی هدایت می‌کند و کشور میزبان را از مزایایی چون اشتغال پایدار، رشد اقتصادی مستمر و توسعه متوازن شهری و منطقه‌ای بهره‌مند می‌سازد (کریمی، ۱۳۷۰؛ فرشیدی، ۱۳۹۰). با این حال، آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، کارکرد فراتر از اقتصاد است: مناطق آزاد بخش مهمی از ساختار سیاسی فضا را تشکیل می‌دهند و واحدهای سیاسی-اقتصادی به شمار می‌روند که اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری فراتر از سایر تقسیمات کشوری داشته و از این منظر، در جغرافیای سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارند (حافظنیا، ۱۳۸۱). در ادامه، مفهوم «دیپلماسی مناطق آزاد»^{۱۰} به عنوان هسته نظری پژوهش تبیین می‌گردد. این مفهوم از مفاهیم نسبتاً جدید در مطالعات روابط بین‌الملل است. در کاربرد موسع، به خطمشی دولت در بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی این مناطق برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی اشاره دارد. در معنای مضیق، در کنار اجبار نظامی، تبلیغات و پروپاگاندا، یکی از فنون پیشبرد سیاست خارجی محسوب می‌شود (پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۸). این مفهوم با «دیپلماسی تجاری»^{۱۱}

1. Hamada

2. Rodriguez

3. Export Processing Zones - EPZ

4. Grubel

5. Industrial Districts

6. Bonded Warehouses

7. Free Ports

8. Enterprise Zones

9. Customs Zones

10. Free Zones Diplomacy

11. Commercial Diplomacy

«دیپلماسی سرمایه‌گذاری»^۱ و «دیپلماسی توسعه»^۲ همپوشانی دارد. به گفته آدام واتسون^۳، وظیفه اصلی دیپلماسی مدیریت بر تحولات و حفظ نظم از طریق جریان مستمر مجاب‌سازی است؛ گزاره‌ای که در مورد دیپلماسی مناطق آزاد نیز صادق است، زیرا می‌تواند وسیله‌ای برای تعامل سازنده یا ابزاری برای ادامه اختلافات در جزایر خلیج فارس باشد (بارستون، ۱۳۷۴). بارستون نیز بر تدوین و اصلاح قواعد بین‌المللی هنجاری به عنوان یکی از وظایف دیپلماسی تأکید دارد (بارستون، ۱۳۷۴). به طور سنتی، کارکردهای دیپلماسی مناطق آزاد شامل جمع‌آوری اطلاعات از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نقش‌مشروری و ارتباطی با فعالان اقتصادی خارجی، حفاظت از منافع ملی، مذاکره در قراردادهای تجاری و انجام خدمات کنسولی و بازرگانی بوده است. روزنا^۴ معتقد است کارکرد دیپلماسی به طور فزاینده تابع تصمیمات بازیگران فراملی شده و با انتقال وظایف به بازیگران جدید، تعهدات دیپلماتیک کشورها تحلیل رفته است (وحیدی، ۱۳۸۶: ۳۷۴). بنابراین، دیپلماسی مناطق آزاد را می‌توان هنر برقراری و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه اقتصادی با هدف تأمین منافع ملی و تضمین توسعه پایدار در جزایر ایرانی خلیج فارس تعریف کرد (قورچی و کاویانی‌راد، ۱۳۹۷). در کنار آن، «دیپلماسی عمومی مناطق آزاد»^۵ به تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی سرمایه‌گذاران و گردشگران خارجی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار گفته می‌شود که فراتر از دیپلماسی سنتی است (کال، ۲۰۰۹). گیفورد مالون^۶ آن را ارتباط مستقیم دولت با مردم خارجی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های آن‌ها در قبال جزایر ایرانی خلیج فارس تعریف کرده است (مالون، ۱۹۸۵). هانس جی مورگنتا^۷ نیز دیپلماسی عمومی را رویه‌های ارتباطی دولت با مردم خارجی برای ایجاد درک درست از اهداف، فرهنگ و سیاست‌های کشور با استفاده از رسانه‌های گروهی دانسته است (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی مناطق آزاد به صورت اجتناب‌ناپذیری به مفهوم «قدرت نرم»^۸ پیوند خورده است. جوزف نای^۹ قدرت نرم را توانایی وادار کردن دیگران به انجام کاری از طریق جذب و اقناع (در برابر قدرت سخت مبتنی بر تهدید نظامی یا تحریم اقتصادی) تعریف می‌کند. از نظر وی، قدرت نرم متکی بر فرهنگ جذاب، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی مشروع است (نای، ۲۰۰۸). در این چارچوب، دیپلماسی عمومی نوین در مناطق آزاد ابزاری است که منابع قدرت نرم (فرهنگ بومی جزایر، ارزش‌های اقتصادی و ایدئولوژی توسعه پایدار) را به عمل تبدیل می‌کند. بازیگران این عرصه شامل وزراء، سفرا، مدیران سازمان مناطق آزاد، شرکت‌ها و گروه‌های تجاری، دانشگاهیان و سازمان‌های غیردولتی فعال در توسعه پایدار هستند (واعظی، ۱۳۸۹). همچنین «دیپلماسی تجاری»^{۱۰} اگرچه با دیپلماسی اقتصادی همپوشانی دارد، اما گستره کمتری داشته و بر حمایت مستقیم از بخش‌های مالی و تجاری متمرکز است. باریچ و جیمز^{۱۱} آن را اقدامات نمایندگی‌های دیپلماتیک در حمایت از بخش‌های مالی و تجاری کشور متبوع تعریف کرده‌اند. در تعریفی دیگر، دیپلماسی تجاری «خدمت‌رسانی دولت به جامعه بازرگانی و شرکت‌های دولتی با هدف توسعه فعالیت‌های تجاری بین‌المللی که برای جامعه منفعت دارند» معرفی شده است (ملایک و همکاران، ۱۳۹۰). کارکردهای اصلی آن عبارتند از: ایجاد قواعد و چارچوب برای مدیریت فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، تقویت روابط تجاری ناپیوسته، انعقاد توافقات نامیه‌های رسمی (مانند حمایت از سرمایه‌گذاری)، و گاهی خوشن‌داری در انعقاد توافقات برای حفظ اهرم فشار (مانند خودداری ژاپن از توافق بلندمدت اقتصادی با شوروی به دلیل مناقشه جزایر شمالی). کشورها به دلایلی چون نیاز به اطلاعات قابل اعتماد، جستجوی شریک تجاری، کاهش اختلافات، حمایت از هیئت‌های اعزامی، تأمین دغدغه‌های راهبردی (دسترسی به انرژی) و بهبود تصویر بین‌المللی (برند ملی) به دیپلماسی تجاری نیاز دارند (امینی، ۱۳۸۸؛ ملایک و همکاران، ۱۳۹۰). با جمع‌بندی مباحث فوق، می‌توان دریافت که مناطق آزاد در جزایر راهبردی خلیج فارس ابزاری چندبعدی برای اجرای همزمان سه نوع دیپلماسی هستند: دیپلماسی اقتصادی (جذب سرمایه و تسهیل تجارت)، دیپلماسی تجاری (حمایت از صادرات و ایجاد شبکه‌های جایگزین) و دیپلماسی عمومی (ساخت قدرت نرم از طریق فرهنگ و تصویر مثبت). با این حال، آنچه در ادبیات موجود به عنوان خلأ نظری و تجربی دیده می‌شود، فقدان مدلی یکپارچه است که نقش تعدیل‌گر «تحریم‌های بین‌المللی»^{۱۲} را در رابطه میان دیپلماسی مناطق آزاد و ابعاد سه‌گانه «توسعه پایدار»^{۱۳} یعنی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، در بستر خاص جزایر ایرانی خلیج فارس تبیین کند. مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده

1. Investment Diplomacy
2. Development Diplomacy
3. Adam Watson
4. Rosenau
5. Public Diplomacy of Free Zones
6. Gifford Malone
7. Hans J. Morgenthau
8. Soft Power)
9. Joseph Nye
10. Commercial Diplomacy/Trade Diplomacy
11. Barich & James
12. International Sanctions
13. Sustainable Development

در سه حوزه گویای این خلأ است: حوزه اول، کارکرد اقتصادی مناطق آزاد در جهان و ایران؛ مطالعات فارول^۱ (۲۰۱۱) و بانک جهانی^۲ (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که مناطق آزاد در صورت داشتن چارچوب نهادی کارآمد، به افزایش صادرات و اشتغال منجر می‌شوند. در ایران، رضوانی و موسوی (۱۳۹۳) به جایگاه مناطق آزاد در اسناد توسعه‌ای اشاره کرده‌اند، اما به نقش دیپلماسی در این مناطق توجهی نشده است. حافظ‌نیا (۱۳۹۴) نیز چالش حکمرانی دوگانه مناطق آزاد ایران را بررسی کرده، اما پیوند آن را با سیاست خارجی و تحریم واکاوی نکرده است. حوزه دوم، اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران؛ هافبائر و همکاران^۳ (۲۰۰۹) و توربات^۴ (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که تحریم‌ها با محدودسازی دسترسی به بازارهای مالی و تجاری، هزینه مبادلات را افزایش داده و سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهند. با این حال، این مطالعات به نقش مناطق آزاد به عنوان «فضای انعطاف‌پذیر» برای دور زدن یا کاهش اثر تحریم‌ها نپرداخته‌اند. حوزه سوم، دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار در مناطق مرزی و جزیره‌ای؛ روبیل و زویدما^۵ (۲۰۱۲) به نقش دیپلماسی محلی در گسترش همکاری‌های فرامرزی اشاره کرده‌اند، اما مطالعه آن‌ها معطوف به اروپا بوده و قابل تعمیم به شرایط تحریمی خلیج فارس نیست. در داخل ایران، قورچی و کاویانی‌راد (۱۳۹۷) و پیرسلامی و اسمعیلی (۱۳۹۸) مفاهیم دیپلماسی مناطق آزاد و جزایر را تعریف کرده‌اند، اما این تعاریف فاقد آزمون تجربی و سنجش تأثیر آن بر شاخص‌های عینی توسعه پایدار (نظیر نرخ اشتغال محلی، کیفیت محیط زیست جزایر و سطح رضایت جامعه میزبان) هستند. در نتیجه، هیچ مطالعه یکپارچه‌ای یافت نشد که به طور هم‌زمان (۱) دیپلماسی مناطق آزاد را در ابعاد اقتصادی، تجاری و عمومی عملیاتی کرده باشد، (۲) نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها را در این رابطه سنجیده باشد، و (۳) پیامدهای آن را بر هر سه بعد توسعه پایدار در جزایر ایرانی خلیج فارس ارزیابی کرده باشد. این خلأ، ضرورت پژوهش حاضر را توجیه می‌کند. بر این اساس، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند: دیپلماسی مناطق آزاد چه تأثیری بر پایداری توسعه در جزایر ایرانی خلیج فارس دارد؟ تحریم‌های بین‌المللی چه نقش تعدیل‌گری در این رابطه ایفا می‌کنند (تقویت، تضعیف یا تغییر جهت)؟ کدام مؤلفه از دیپلماسی مناطق آزاد (اقتصادی، تجاری یا عمومی) بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار جزایر دارد؟ و چگونه می‌توان از ظرفیت دیپلماسی مناطق آزاد برای کاهش اثرات تحریم و دستیابی به توسعه پایدار بهره گرفت؟ پاسخ به این پرسش‌ها از آن جهت حائز اهمیت است که جزایر ایرانی خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، دسترسی به آب‌های آزاد، ظرفیت‌های گردشگری و اقتصادی و نقش در تأمین امنیت ملی، از اولویت ویژه‌ای در سیاست‌گذاری‌های کلان برخوردارند. تحریم‌ها به عنوان مهم‌ترین مانع ساختاری، ظرفیت سرمایه‌گذاری در این جزایر را محدود کرده‌اند و دیپلماسی مناطق آزاد می‌تواند راهبردی هوشمندانه برای ایجاد شبکه‌های تجاری جایگزین، کاهش وابستگی به بازارهای غربی و جذب سرمایه از کشورهای همسایه باشد. این پژوهش با رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) انجام می‌شود. در بخش کیفی، با تکنیک تحلیل مضمون^۶ و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان (مدیران مناطق آزاد، دیپلمات‌ها و دانشگاهیان)، مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی مناطق آزاد شناسایی می‌گردد. در بخش کمی، با استفاده از پرسشنامه طراحی شده و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از فعالان اقتصادی، ساکنان و کارکنان مناطق آزاد کیش، قشم و چابهار (با حجم نمونه تعیین‌شده بر اساس فرمول کوکران)، روابط بین متغیرها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری^۷ و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس^۸ مورد آزمون قرار می‌گیرد. نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها نیز از طریق آزمون تعامل در مدل ساختاری سنجیده می‌شود. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش ضمن غنی‌سازی ادبیات نظری در حوزه دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار، راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان مناطق آزاد در جهت بهینه‌سازی دیپلماسی اقتصادی و دستیابی به توسعه پایدار در جزایر ایرانی خلیج فارس باشد.

1. Farole

2. World Bank

3. Hufbauer et al.

4. Torbat

5. Ruel & Zuidema.

6. Thematic Analysis

7. Structural Equation Modeling - SEM

8. Smart PLS

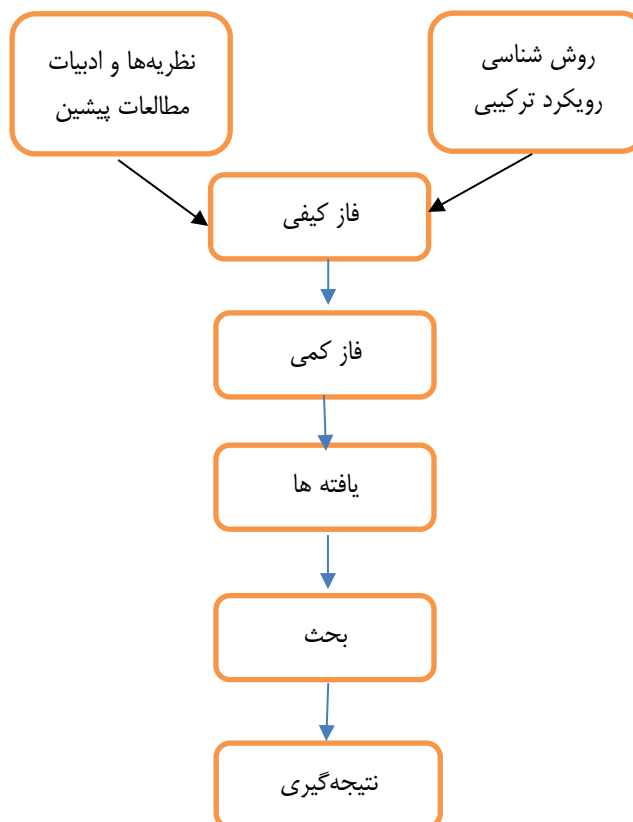


شکل ۱. خصایص مناطق آزاد (منبع: متقی و همکاران، ۱۴۰۳)

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی-توسعه‌ای قرار دارد، زیرا یافته‌های آن می‌تواند به عنوان راهنمای سیاست‌گذاری و مدیریتی در مناطق آزاد برای ارتقای عملکرد دیپلماسی اقتصادی و تحقق اهداف توسعه پایدار مورد استفاده قرار گیرد (اسمیت و براون، ۲۰۲۰). از نظر ماهیت، این مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است تا ضمن بررسی وضعیت موجود، روابط بین مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی مناطق آزاد و ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) را تحلیل نماید (جانسون، ۲۰۱۸). رویکرد پژوهش، آمیخته با طرح اکتشافی متوالی (کیفی سپس کمی) است که امکان ترکیب یافته‌های کیفی و کمی را فراهم می‌کند (کرسول و پلانو کلارک، ۲۰۱۷). در فاز کیفی، هدف شناسایی مؤلفه‌های دیپلماسی مناطق آزاد در بافتار جزایر ایرانی خلیج فارس (با تأکید بر جزایر کیش، قشم و چابهار) و نیز شناسایی شاخص‌های بومی شده توسعه پایدار و متغیرهای مرتبط با تحریم بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند قضاوتی و با استفاده از روش گلوله برفی انجام شد. ملاک ورود به نمونه، داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کاری مرتبط، تألیف حداقل یک اثر علمی در زمینه موضوع، یا اشتغال در سطوح مدیریتی مناطق آزاد بود. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که پس از انجام ۱۵ مصاحبه، محقق تشخیص داد هیچ مضمون جدیدی ظهور نمی‌کند. از این ۱۵ نفر، ۶ نفر مدیران یا معاونان پیشین و کنونی مناطق آزاد کیش، قشم و چابهار، ۵ نفر از دیپلمات‌های پیشین مستقر در کشورهای حاشیه خلیج فارس (امارات، قطر، عمان) و ۴ نفر از اساتید دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و هرمزگان با تخصص در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و توسعه پایدار بودند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه حول چهار محور اصلی طراحی شدند: (۱) مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی مناطق آزاد در شرایط فعلی جزایر چیست؟ (۲) این مؤلفه‌ها چه تأثیری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار جزایر داشته‌اند؟ (۳) تحریم‌های بین‌المللی چگونه این رابطه را تقویت، تضعیف یا تغییر جهت داده‌اند؟ (۴) چه راهکارهایی برای بهبود دیپلماسی مناطق آزاد در شرایط تحریمی وجود دارد؟ طول هر مصاحبه بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بود و کلیه مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت کلمه به کلمه پیاده‌سازی شد. فرآیند تحلیل کیفی در نرم‌افزار MAXQDA 2022 و طی مراحل شش‌گانه تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد: (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه (بیش از ۲۲۰ کد باز استخراج شد)، (۳) جستجوی مضامین (دسته‌بندی کدها در ۲۴ مضمون فرعی)، (۴) بازبینی مضامین، (۵) تعریف و نام‌گذاری مضامین اصلی (نهایی شدن ۶ مضمون اصلی)، (۶) نگارش گزارش. شش مضمون اصلی عبارت بودند از: «دیپلماسی سرمایه‌گذاری»، «دیپلماسی تجارت فرامرزی»، «دیپلماسی فناوری و دانش»، «دیپلماسی فرهنگی و گردشگری»، «تاب‌آوری در برابر تحریم» و «مدیریت زیست‌بوم جزایر». برای تأمین روایی و پایایی یافته‌های کیفی، از چهار معیار لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) استفاده شد: قابلیت باورپذیری (از طریق بازبینی یافته‌ها توسط سه نفر از مصاحبه‌شوندگان)، قابلیت انتقال (با ارائه توصیف غنی از بافتار جزایر)، قابلیت اطمینان (با نگهداری دقیق مستندات) و تأییدپذیری (با اجتناب از سوگیری‌های ذهنی محقق). در فاز کمی، هدف آزمون تجربی روابط بین مؤلفه‌های دیپلماسی مناطق آزاد با ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار و نیز بررسی نقش تعدیل‌گر تحریم‌های بین‌المللی بود. بر اساس مضامین اصلی حاصل از تحلیل کیفی، یک مدل مفهومی اولیه شامل ۶ متغیر مستقل، ۳ متغیر وابسته (توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پایدار) و یک متغیر تعدیل‌گر (شدت اثرگذاری تحریم‌ها) طراحی شد. این مدل سپس به یک پرسشنامه ساخت‌یافته تبدیل گردید. گویه‌های پرسشنامه به صورت مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» (۱) تا «کاملاً موافقم» (۵) طراحی شدند. برای هر یک از مضامین اصلی، بین ۴ تا ۶ گویه تدوین گردید که در مجموع ۲۸ گویه اولیه را شامل می‌شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر ۸ نفر از خبرگان (همان افراد فاز کیفی) و با محاسبه نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوایی (CVI) تأیید شد (مقادیر CVR بالای ۰/۷۵ و CVI بالای ۰/۷۵).

۰/۷۹ برای همه گویه‌ها). پایایی ابزار با اجرای پیش‌آزمون روی ۳۰ نفر و محاسبه آلفای کرونباخ انجام شد که مقادیر بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۴ به دست آمد (همگی بالای ۰/۷ قابل قبول). جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه مدیران، کارشناسان ارشد، کارآفرینان و فعالان اقتصادی شاغل در مناطق آزاد کیش، قشم و چابهار بود که حداقل ۳ سال سابقه همکاری داشتند. با توجه به نبود آمار دقیق از حجم کل جامعه، از فرمول نامحدود کوکران با سطح خطای ۵ درصد ($d=0.05$, $p=q=0.5$, $z=1.96$) استفاده شد که حجم نمونه اولیه ۳۸۴ نفر برآورد گردید. برای جبران ریزش احتمالی (حدود ۲۰ درصد)، ۴۶۰ پرسشنامه توزیع شد. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با تخصیص متناسب بود؛ بدین ترتیب که ابتدا هر سه منطقه آزاد به عنوان طبقه در نظر گرفته شدند و سپس بر اساس تعداد تقریبی شاغلان، سهم هر طبقه تعیین و در درون هر طبقه، نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شد. پرسشنامه‌ها در بازه زمانی دی تا اسفند ۱۴۰۴ به دو صورت حضوری و الکترونیکی توزیع گردید. از ۴۶۰ پرسشنامه توزیع‌شده، ۴۰۱ عدد بازگشت داده شد که پس از حذف ۲۳ پرسشنامه ناقص، در نهایت ۳۷۸ پرسشنامه معتبر وارد تحلیل شدند (نرخ بازگشت مؤثر ۸۲ درصد). داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 26 برای آمار توصیفی و Smart PLS 3 برای آمار استنباطی تحلیل شدند. در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری، ابتدا مدل اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ارزیابی شد. معیارهای روایی همگرا شامل بارهای عاملی بالای ۰.۷، میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) بالای ۰.۵ و پایایی ترکیبی (CR) بالای ۰.۷ بودند. روایی و اگرچه نیز با معیار فورنل-لارکر تأیید شد. پس از تأیید مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری برای آزمون فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها، از روش تعامل ضرب‌شده در Smart PLS استفاده شد. شاخص‌های برازش کلی مدل نظیر شاخص نیکویی برازش (GOF) و ریشه دوم مربعات باقیمانده‌های استانداردشده (SRMR) گزارش شدند (مقادیر GOF بالای ۰/۳۶ قوی و SRMR زیر ۰/۰۸ قابل قبول). برای اطمینان از عدم وجود همخطی چندگانه، شاخص واریانس تورم (VIF) محاسبه گردید (همه مقادیر زیر ۳). همچنین، برای کنترل سوگیری روش رایج از آزمون تک‌عاملی هارمن استفاده شد که واریانس تبیین‌شده توسط یک عامل واحد ۲۸.۶ درصد (کمتر از ۴۰ درصد) به دست آمد. ملاحظات اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه کتبی، محرمانگی داده‌ها، حق انصراف، ناشناس بودن پاسخ‌ها و تأییدیه کمیته اخلاق دانشگاه بود. محدودیت‌های پژوهش شامل دشواری دسترسی به برخی مدیران ارشد، نبود آمار دقیق از حجم جامعه، همبستگی مقطعی داده‌ها و تمرکز جغرافیایی بر سه منطقه آزاد (کیش، قشم و چابهار) بود که تعمیم نتایج به سایر مناطق را با احتیاط مواجه می‌سازد.



شکل ۲. مراحل انجام مدل فراترکیبی تحقیق، (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

۴. یافته‌ها

۴-۱. یافته‌های فاز کیفی

در فاز کیفی، داده‌ها از دو منبع اصلی جمع‌آوری شد: مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان و مدیران مناطق آزاد و تحلیل اسناد رسمی، قوانین بالادستی و سیاست‌های مرتبط با توسعه پایدار. هدف این فاز، شناسایی مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی اقتصادی مناطق آزاد و بررسی روابط آن‌ها با ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی) بود. یافته‌های این فاز، مبنای طراحی پرسشنامه فاز کمی قرار گرفت.

۴-۲. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در فاز کیفی

مشارکت‌کنندگان در این فاز شامل مدیران عامل و معاونان سازمان مناطق آزاد (۵ نفر)، اساتید دانشگاهی در رشته‌های جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل (۶ نفر)، و کارشناسان ارشد وزارت امور خارجه و سازمان توسعه تجارت (۴ نفر) بودند. کلیه مشارکت‌کنندگان دارای حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت تخصصی در حوزه مرتبط بودند.

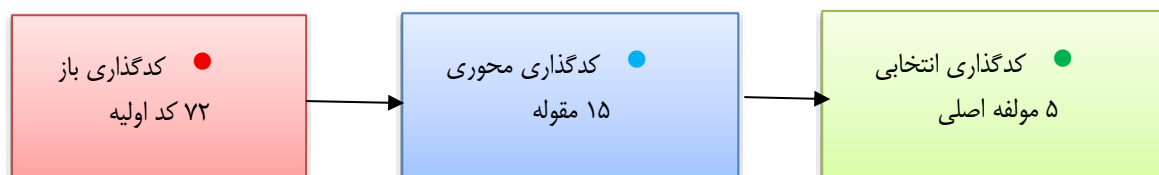
جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در فاز کیفی

کد	حوزه تخصصی	سمت	سابقه (سال)
۰۱	مدیریت منطقه آزاد	مدیرعامل اسبق منطقه آزاد قشم	۲۲
۰۲	مدیریت منطقه آزاد	معاون اقتصادی منطقه آزاد کیش	۱۸
۰۳	دانشگاهی	استاد تمام جغرافیای سیاسی	۲۵
۰۴	دانشگاهی	دانشیار روابط بین‌الملل	۲۰
۰۵	وزارت خارجه	مدیرکل دیپلماسی اقتصادی	۱۵
۰۶	دانشگاهی	استادیار اقتصاد بین‌الملل	۱۲
۰۷	مدیریت منطقه آزاد	مدیر برنامه‌ریزی منطقه آزاد اروند	۱۶
۰۸	سازمان توسعه تجارت	کارشناس ارشد بازرگانی	۱۴
۰۹	دانشگاهی	دانشیار توسعه پایدار	۱۹
۱۰	وزارت خارجه	رایزن اقتصادی اسبق	۲۱
۱۱	مدیریت منطقه آزاد	مدیرعامل منطقه آزاد انزلی	۱۷
۱۲	دانشگاهی	استادیار حقوق بین‌الملل	۱۳
۱۳	اتاق بازرگانی	مشاور امور بین‌الملل	۲۳
۱۴	مدیریت منطقه آزاد	معاون سرمایه‌گذاری منطقه آزاد چابهار	۱۵
۱۵	دانشگاهی	استاد اقتصاد توسعه	۲۶

میانگین سابقه کاری مشارکت‌کنندگان ۱۸/۵ سال بوده است که نشان‌دهنده اشرف و تجربه کافی آن‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی و مناطق آزاد می‌باشد. تنوع تخصصی مشارکت‌کنندگان (مدیران اجرایی، اساتید دانشگاهی و کارشناسان دستگاه‌های دیپلماتیک) به غنای داده‌های کیفی و پوشش ابعاد مختلف موضوع پژوهش کمک شایانی نموده است.

۴-۳. نتایج کدگذاری سه‌مرحله‌ای

برای تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) استفاده شد. نمودار زیر فرآیند این کدگذاری را نشان می‌دهد:



شکل ۳. فرآیند کدگذاری و استخراج مؤلفه‌ها

الف) کدگذاری باز (Open Coding)

در این مرحله، مفاهیم اولیه از متن مصاحبه‌ها و اسناد استخراج گردید. در مجموع ۷۲ کد اولیه شناسایی شد. برخی از مهم‌ترین کدهای باز عبارت بودند از:

- جذب سرمایه‌گذار خارجی
- حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی
- انعقاد قراردادهای دوجانبه
- رایزنی با سفرا و دیپلمات‌ها
- بازاریابی بین‌المللی
- تسهیل تشریفات گمرکی
- توسعه کریدورهای ترانزیتی
- ایجاد اشتغال برای بومیان
- مشارکت جامعه محلی
- حفاظت از جنگل‌های حرا
- مدیریت پسماند
- کاهش آلودگی سواحل
- آموزش نیروی انسانی
- انتقال فناوری
- برندسازی جزایر
- گردشگری بین‌المللی

ب) کدگذاری محوری (Axial Coding)

در این مرحله، کدهای مشابه در ۱۵ مقوله محوری دسته‌بندی شدند. جدول زیر توزیع این مقوله‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۲. ماتریس مقوله‌های محوری

ردیف	مقوله محوری	تعداد کدها	درصد
الف) مقوله‌های مرتبط با دیپلماسی و اقتصاد			
۱	توسعه روابط بین‌الملل	۸	۱۱/۱
۲	جذب سرمایه‌گذاری خارجی	۶	۸/۳
۳	تسهیل تجارت و ترانزیت	۷	۹/۷
۴	موافقتنامه‌های همکاری	۵	۶/۹
۵	دیپلماسی عمومی و برندسازی	۶	۸/۳
جمع	۵ مقوله	۳۲	۴۴/۴
ب) مقوله‌های مرتبط با منابع انسانی و فناوری			
۶	توانمندسازی منابع انسانی	۴	۵/۶
۷	نوآوری و فناوری	۵	۶/۹
جمع	۲ مقوله	۹	۱۲/۵
ج) مقوله‌های مرتبط با توسعه پایدار			
۸	توسعه اقتصادی محلی	۶	۸/۳
۹	مشارکت اجتماعی	۴	۵/۶
۱۰	حفظ هویت فرهنگی	۳	۴/۲
۱۱	حفاظت از محیط زیست	۵	۶/۹
۱۲	مدیریت پایدار منابع	۴	۵/۶
جمع	۵ مقوله	۲۲	۳۰/۶
د) مقوله‌های مرتبط با موانع و الزامات			

۱۳	چالش‌های نهادی	۳	۴/۲
۱۴	تأثیر تحریم‌ها	۴	۵/۶
۱۵	الزامات قانونی	۲	۲/۸
جمع	۳ مقوله	۹	۱۲/۵
کل	۱۵ مقوله	۷۲	۱۰۰

یافته‌های جدول ۲، نشان می‌دهد که از مجموع ۷۲ کد اولیه، ۱۵ مقوله محوری استخراج شده است. مقوله‌های مرتبط با دیپلماسی و اقتصاد با ۳۲ کد و ۴۴/۴ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. این امر بیانگر اولویت بالای موضوعات مرتبط با توسعه روابط بین‌الملل، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل تجارت در دیپلماسی مناطق آزاد است. پس از آن، مقوله‌های مرتبط با توسعه پایدار با ۲۲ کد و ۳۰/۶ درصد در رتبه دوم قرار دارند که نشان‌دهنده توجه خبرگان به ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه در کنار ابعاد اقتصادی است. مقوله‌های مرتبط با منابع انسانی و فناوری (۹ کد، ۱۲/۵ درصد) و موانع و الزامات (۹ کد، ۱۲/۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. قابل ذکر است که مقوله «تأثیر تحریم‌ها» با ۴ کد در دسته موانع و الزامات قرار گرفته که نشان‌دهنده اذعان خبرگان به نقش محدودکننده تحریم‌ها در دیپلماسی اقتصادی مناطق آزاد است.

ج) کدگذاری انتخابی (Selective Coding)

در نهایت، مقوله‌های محوری در ۵ مقوله اصلی (مؤلفه‌های کلیدی) دسته‌بندی شدند. نمودار زیر درصد فراوانی هر یک از مؤلفه‌ها را در مصاحبه‌ها نشان می‌دهد:

جدول ۳. مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی مناطق آزاد (کدگذاری انتخابی)

ردیف	مؤلفه کلیدی	مقوله‌های محوری مرتبط	تعداد کدها	درصد فراوانی
۱	شبکه‌سازی بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای	توسعه روابط بین‌الملل، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، موافقتنامه‌های همکاری	۱۹	۲۶/۴ درصد
۲	سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی	الزامات قانونی، تسهیل تجارت، چالش‌های نهادی	۱۳	۱۸/۱ درصد
۳	توانمندسازی منابع انسانی و دانش تخصصی	توانمندسازی منابع انسانی، آموزش، توسعه مهارت‌ها	۱۱	۱۵/۳ درصد
۴	نوآوری و فناوری‌های نوین	نوآوری، فناوری، دیجیتال‌سازی، انتقال تکنولوژی	۱۰	۱۳/۹ درصد
۵	توجه به توسعه پایدار	توسعه اقتصادی محلی، مشارکت اجتماعی، حفظ محیط زیست	۱۹	۲۶/۴ درصد
مجموع			۷۲	۱۰۰ درصد

بر اساس جدول ۳، دو مؤلفه «شبکه‌سازی بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای» و «توجه به توسعه پایدار» هر یک با ۱۹ کد و ۲۶/۴ درصد، بیشترین فراوانی را در میان مؤلفه‌های کلیدی داشته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که خبرگان علاوه بر تأکید بر اهمیت ارتباطات بین‌المللی، به جنبه‌های پایداری توسعه نیز توجه ویژه‌ای داشته‌اند. مؤلفه «سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی» با ۱۳ کد و ۱۸/۱ درصد در رتبه سوم قرار دارد که بیانگر اهمیت ثبات قوانین و شفافیت مقررات از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است. مؤلفه «توانمندسازی منابع انسانی» با ۱۱ کد و ۱۵/۳ درصد در رتبه چهارم و مؤلفه «نوآوری و فناوری» با ۱۰ کد و ۱۳/۹ درصد در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند. پایین‌ترین فراوانی مؤلفه نوآوری و فناوری نشان‌دهنده توجه کمتر خبرگان به این مؤلفه در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها می‌باشد، هرچند که در بخش‌های بعدی پژوهش، تأثیر این مؤلفه بر توسعه پایدار مورد تأیید قرار گرفته است. این یافته کیفی، پیش‌بینی می‌کند که در فاز کمی نیز نوآوری و فناوری کمترین اولویت و عملکرد را داشته باشد.

۴-۴. تحلیل توصیفی یافته‌های کیفی (شواهد گفتاوردها)

۱. شبکه‌سازی بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای

این مؤلفه با ۲۶/۴ درصد فراوانی، پرتکرارترین مؤلفه در مصاحبه‌ها بود. خبرگان بر این باور بودند که ایجاد و تقویت ارتباطات با شرکای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی، مهم‌ترین عامل موفقیت دیپلماسی مناطق آزاد است. یکی از مصاحبه‌شوندگان (کد ۰۱) در این باره گفت:

« منطقه آزاد بدون ارتباط با جهان خارج، عملاً یک منطقه صنعتی معمولی است. رمز موفقیت قشم و کیش باید در ایجاد شبکه‌های تجاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس باشد. ما باید از تجربه دبی یاد بگیریم که چگونه با شبکه‌سازی، خود را به قطب تجاری منطقه تبدیل کرد». مصاحبه‌شونده دیگری (کد ۱۰) تأکید کرد:

« در شرایط تحریم، شبکه‌سازی با کشورهای همسایه و استفاده از ظرفیت پیمان‌های منطقه‌ای مانند اکو و شانگ‌های می‌تواند بسیاری از محدودیت‌ها را کاهش دهد. ما باید به جای تمرکز صرف بر غرب، به دنبال شرکای جدید در شرق و جنوب باشیم».

۲. سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی

این مؤلفه با ۱۸/۱ درصد فراوانی در رتبه دوم قرار گرفت. خبرگان بر اهمیت ثبات قوانین و شفافیت مقررات تأکید داشتند. مصاحبه‌شونده (کد ۰۵) بیان کرد:

« سرمایه‌گذار خارجی قبل از هر چیز به دنبال امنیت حقوقی است. اگر قوانین مناطق آزاد هر چند ماه یکبار تغییر کند یا بخشنامه‌های خلق‌الساعه صادر شود، هیچ سرمایه‌گذاری ریسک نخواهد کرد. ما نیاز به قانون جامع و پایدار برای مناطق آزاد داریم».

۳. توانمندسازی منابع انسانی و دانش تخصصی

این مؤلفه با ۱۵/۳ درصد فراوانی در رتبه سوم قرار گرفت. خبرگان به نقش نیروی انسانی متخصص در موفقیت دیپلماسی اقتصادی اشاره کردند.

مصاحبه‌شونده (کد ۰۳) گفت:

« ما در مناطق آزاد به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان بین‌المللی تجارت را بلد باشند، هم با فرهنگ و اقتصاد کشورهای هدف آشنا باشند. متأسفانه برخی از مدیران ما فاقد این دانش تخصصی هستند».

۴. نوآوری و فناوری‌های نوین

این مؤلفه با ۱۳/۹ درصد فراوانی در رتبه چهارم قرار گرفت. خبرگان بر ضرورت دیجیتال‌سازی فرآیندها و استفاده از فناوری‌های نوین تأکید داشتند.

مصاحبه‌شونده (کد ۰۶) بیان کرد:

« در عصر انقلاب صنعتی چهارم، مناطق آزاد نمی‌توانند با روش‌های سنتی اداره شوند. ما نیاز به بنادر هوشمند، گمرک دیجیتال و بازاریابی الکترونیکی داریم. متأسفانه در این حوزه عقب‌ماندگی جدی داریم».

۵. توجه به توسعه پایدار

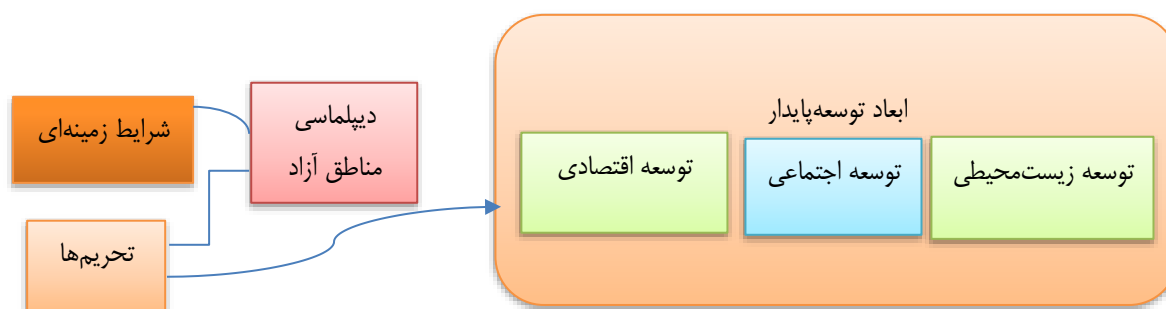
این مؤلفه با ۲۶/۴ درصد فراوانی، هم‌ردیف مؤلفه اول بود. خبرگان بر ضرورت توجه هم‌زمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید داشتند.

مصاحبه‌شونده (کد ۰۹) گفت:

« متأسفانه در سال‌های اخیر، نگاه صرفاً اقتصادی به مناطق آزاد باعث شده است که به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی کمتر توجه شود. ما در قشم شاهد آسیب‌های جدی به جنگل‌های حرا و اکوسیستم‌های ساحلی هستیم. این در بلندمدت هم به صنعت گردشگری و هم به معیشت مردم محلی لطمه خواهد زد».

۴-۵. مدل مفهومی اولیه پژوهش

بر اساس یافته‌های کیفی و کدگذاری انتخابی، مدل مفهومی اولیه پژوهش ترسیم شد که در آن پنج مؤلفه شناسایی شده (شبکه‌سازی بین‌المللی، سیاست‌گذاری شفاف، توانمندسازی منابع انسانی، نوآوری و فناوری، و توجه به توسعه پایدار) بر دیپلماسی اقتصادی و آن نیز بر توسعه پایدار اثر می‌گذارند، این مدل در فاز کمی مورد آزمون قرار گرفت.



شکل ۴. مدل مفهومی اولیه پژوهش

۴-۶. یافته‌های فاز کمی

در فاز کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته (مستخرج از مؤلفه‌های فاز کیفی) جمع‌آوری شد. این پرسشنامه بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده از فاز کیفی طراحی و بین ۶۹ نفر از اعضای نمونه توزیع گردید. در نهایت ۶۲ پرسشنامه کامل و قابل استفاده بازگردانده شد (نرخ بازگشت ۸۹.۸۵ درصد).

۴-۷. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	دسته‌بندی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۴۸	۷۷/۴
	زن	۱۴	۲۲/۶
سن	۳۰-۴۰ سال	۱۵	۲۴/۲
	۴۱-۵۰ سال	۲۸	۴۵/۲
	بالای ۵۰ سال	۱۹	۳۰/۶
تحصیلات	کارشناسی	۲۰	۳۲/۳
	کارشناسی ارشد	۲۸	۴۵/۲
	دکتری	۱۴	۲۲/۶
سابقه کار	کمتر از ۵ سال	۸	۱۲/۹
	۵-۱۰ سال	۱۶	۲۵/۸
	۱۱-۱۵ سال	۲۲	۳۵/۵
	بیش از ۱۵ سال	۱۶	۲۵/۸
حوزه فعالیت	مدیران مناطق آزاد	۲۸	۴۵/۲
	اساتید دانشگاه	۱۵	۲۴/۲
	کارشناسان وزارت خارجه	۱۲	۱۹/۴
	فعالان اقتصادی	۷	۱۱/۳

جدول ۴، نشان می‌دهد که از میان ۶۲ پاسخ‌دهنده، ۴۸ نفر (۷۷/۴ درصد) مرد و ۱۴ نفر (۲۲/۶ درصد) زن بوده‌اند. توزیع سنی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۱-۵۰ سال با ۲۸ نفر (۴۵/۲ درصد) است که بیانگر تجربه و بلوغ فکری مناسب پاسخ‌دهندگان می‌باشد. از نظر تحصیلات، ۴۲ نفر (۶۷/۴ درصد) دارای تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) بودند که نشان‌دهنده سطح بالای دانش تخصصی نمونه آماری است. همچنین ۳۸ نفر (۶۱/۳ درصد) دارای سابقه کار بیش از ۱۰ سال بودند که این امر بر اعتبار نظرات ارائه‌شده می‌افزاید. از نظر حوزه فعالیت، مدیران مناطق آزاد با ۲۸ نفر (۴۵/۲ درصد) بیشترین سهم را داشتند و پس از آن اساتید دانشگاه با ۱۵ نفر (۲۴/۲ درصد)، کارشناسان وزارت خارجه با ۱۲ نفر (۱۹/۴ درصد) و فعالان اقتصادی با ۷ نفر (۱۱/۳ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

۴-۸. بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

(الف) روایی محتوا (CVR)

برای بررسی روایی محتوا، پرسشنامه در اختیار ۸ نفر از خبرگان قرار گرفت و شاخص CVR برای هر گویه محاسبه شد. حداقل مقدار قابل قبول CVR برای ۸ خبره، ۰/۷۵ بود. کلیه گویه‌ها دارای CVR بالای ۰/۷۵ بودند و بنابراین روایی محتوای پرسشنامه تأیید شد.

(ب) پایایی (آلفای کرونباخ)

جدول ۵. ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ)

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
شبکه‌سازی بین‌المللی	۵	۰/۸۸
سیاست‌گذاری شفاف	۴	۰/۸۶
توانمندسازی منابع انسانی	۴	۰/۸۵
نوآوری و فناوری	۴	۰/۸۴
توسعه پایدار	۸	۰/۹۱
کل پرسشنامه	۲۵	۰/۹۴

نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که ضرایب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه می‌باشد. بالاترین ضریب پایایی مربوط به متغیر توسعه پایدار با ۰/۹۱ و پایین‌ترین آن مربوط به متغیر نوآوری و فناوری با ۰/۸۴ است. ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۹۴ محاسبه شده که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالای ابزار پژوهش و قابلیت اطمینان بالای داده‌های جمع‌آوری شده می‌باشد.

۴-۹. آمار توصیفی مؤلفه‌های اصلی

جدول ۶. میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های اصلی

ردیف	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱	شبکه‌سازی بین‌المللی	۴/۳۲	۰/۴۸	۳/۲۰	۰۰/۵
۲	سیاست‌گذاری شفاف	۴/۲۱	۰/۵۱	۰۰/۳	۰۰/۵
۳	توانمندسازی منابع انسانی	۳/۸۵	۰/۵۸	۲/۵۰	۴/۸۰
۴	نوآوری و فناوری	۳/۷۵	۰/۶۲	۲/۳۰	۴/۷۰
۵	توسعه پایدار	۳/۸۲	۰/۵۵	۲/۸۰	۴/۹۰

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مؤلفه «شبکه‌سازی بین‌المللی» با میانگین ۴/۳۲ بالاترین عملکرد را در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه داشته است. پس از آن، مؤلفه‌های «سیاست‌گذاری شفاف» با میانگین ۴/۲۱، «توانمندسازی منابع انسانی» با میانگین ۳/۸۵ و «توسعه پایدار» با میانگین ۳/۸۲ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مؤلفه «نوآوری و فناوری» با میانگین ۳/۷۵ پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده ضعف مناطق آزاد در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و دیجیتال‌سازی است. میانگین کل مؤلفه‌ها (۳/۹۸) بالاتر از سطح متوسط (۳) است که نشان‌دهنده عملکرد نسبتاً مطلوب مناطق آزاد در حوزه دیپلماسی اقتصادی می‌باشد. انحراف معیار پایین مؤلفه‌ها (بین ۰/۴۸ تا ۰/۶۲) بیانگر توافق نسبی پاسخ‌دهندگان در خصوص وضعیت مؤلفه‌ها است. این یافته کمی، همسو با یافته کیفی (کمترین فراوانی کدها برای مؤلفه نوآوری و فناوری) است و نشان‌دهنده اجماع نظر در دو فاز پژوهش درباره ضعف جدی مناطق آزاد در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و دیجیتال‌سازی است.

جدول ۷. مقایسه میانگین مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی مناطق آزاد

رتبه	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	وضعیت
۱	شبکه‌سازی بین‌المللی	۴/۳۳	۰/۴۸	۸۶٪
۲	سیاست‌گذاری شفاف	۴/۲۱	۰/۵۱	۸۴٪
۳	توانمندسازی منابع انسانی	۳/۸۵	۰/۵۸	۷۷٪
۴	توسعه پایدار	۳/۸۲	۰/۵۵	۷۶٪
۵	نوآوری و فناوری	۳/۷۵	۰/۶۲	۷۵٪

جدول ۷، به بررسی و مقایسه میانگین پنج مؤلفه اصلی دیپلماسی مناطق آزاد شامل شبکه‌سازی بین‌المللی، سیاست‌گذاری شفاف، توانمندسازی منابع انسانی، نوآوری و فناوری و توسعه پایدار می‌پردازد و یافته‌های آن نشان‌دهنده وضعیت عملکرد هر یک از این مؤلفه‌ها از دیدگاه پاسخ‌دهندگان است. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که مؤلفه «شبکه‌سازی بین‌المللی» با میانگین ۴/۳۳ و انحراف معیار ۰/۴۸، بالاترین رتبه را در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه دارا بوده است که این یافته بیانگر آن است که از دیدگاه مدیران، کارشناسان و خبرگان، مناطق آزاد جزایر خلیج فارس در زمینه توسعه روابط بین‌المللی، ارتباط با کشورهای همسایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی عملکرد نسبتاً مطلوبی داشته‌اند و درصد وضعیت ۸۶ درصدی این مؤلفه نیز مؤید این مطلب است. در رتبه دوم، مؤلفه «سیاست‌گذاری شفاف» با میانگین ۴/۲۱ و انحراف معیار ۰/۵۱ قرار دارد و درصد وضعیت ۸۴ درصدی آن نشان‌دهنده عملکرد مطلوب در زمینه تدوین قوانین شفاف و پایدار در مناطق آزاد است، هرچند انحراف معیار نسبتاً بالاتر این مؤلفه نسبت به شبکه‌سازی بین‌المللی (۰/۵۱ در مقابل ۰/۴۸) بیانگر پراکندگی بیشتر نظرات پاسخ‌دهندگان و وجود دیدگاه‌های متفاوت در خصوص شفافیت و ثبات قوانین می‌باشد. مؤلفه «توانمندسازی منابع انسانی» با میانگین ۳/۸۵ و انحراف معیار ۰/۵۸ در رتبه سوم قرار گرفته و درصد وضعیت ۷۷ درصدی آن نشان‌دهنده عملکرد متوسط رو به بالای مناطق آزاد در زمینه آموزش و به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص است. مؤلفه «توسعه پایدار» با میانگین ۳/۸۲ و انحراف معیار ۰/۵۵ در رتبه چهارم قرار دارد و درصد وضعیت ۷۶ درصدی آن نشان‌دهنده عملکرد متوسط در زمینه توجه به ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) است که با تحلیل‌های کیفی همخوانی دارد و نشان می‌داد توجه به ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی در مقایسه با بعد اقتصادی کمتر بوده است. مؤلفه «نوآوری و فناوری» با میانگین ۳/۷۵ و انحراف معیار ۰/۶۲، پایین‌ترین رتبه را در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه دارا بوده و درصد وضعیت ۷۵ درصدی این مؤلفه و بالاترین انحراف معیار (۰/۶۲) نشان‌دهنده ضعف مناطق آزاد در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، دیجیتال‌سازی فرآیندها و استقرار گمرک هوشمند است. میانگین تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از سطح متوسط (۳) قرار دارد که نشان‌دهنده عملکرد نسبتاً مطلوب مناطق آزاد در حوزه دیپلماسی اقتصادی می‌باشد، هرچند فاصله معنادار بین بالاترین میانگین (۴/۳۳) و پایین‌ترین میانگین (۳/۷۵) نشان‌دهنده نابرابری در توجه به مؤلفه‌های مختلف است. انحراف معیار پایین مؤلفه‌های شبکه‌سازی بین‌المللی (۰/۴۸) و سیاست‌گذاری شفاف (۰/۵۱) بیانگر توافق نسبی پاسخ‌دهندگان در خصوص عملکرد این دو مؤلفه است و در مقابل، انحراف معیار

بالاتر مؤلفه‌های نوآوری و فناوری (۰/۶۲) و توانمندسازی منابع انسانی (۰/۵۸) نشان‌دهنده اختلاف نظر بیشتر میان پاسخ‌دهندگان و وجود تجارب متفاوت در این زمینه‌ها می‌باشد. در مجموع، یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که مناطق آزاد جزایر خلیج فارس در زمینه شبکه‌سازی بین‌المللی و سیاست‌گذاری شفاف عملکرد مطلوبی داشته‌اند، اما در زمینه نوآوری و فناوری با چالش‌های جدی مواجه هستند و این یافته اهمیت سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، دیجیتال‌سازی فرآیندها و استقرار گمرک هوشمند را آشکار می‌سازد، همچنین میانگین نسبتاً پایین مؤلفه توسعه پایدار (۳/۸۲) در مقایسه با مؤلفه‌های اقتصادی، بیانگر لزوم توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه در سیاست‌گذاری‌های آتی است.

۴-۱۰. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها (آزمون فریدمن)

برای تعیین اولویت و اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، از آزمون فریدمن استفاده شد.

جدول ۸. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها بر اساس آزمون فریدمن

رتبه	مؤلفه	میانگین رتبه
۱	شبکه‌سازی بین‌المللی	۴/۸۵
۲	سیاست‌گذاری شفاف	۴/۳۲
۳	توانمندسازی منابع انسانی	۳/۹۸
۴	توسعه پایدار	۳/۴۵
۵	نوآوری و فناوری	۲/۸۵

بر اساس آزمون فریدمن، تفاوت معناداری بین رتبه مؤلفه‌ها وجود دارد (آماره آزمون: $124/65$ ، سطح معناداری: $0/001$). مؤلفه «شبکه‌سازی بین‌المللی» با میانگین رتبه $4/85$ بالاترین اولویت را از دیدگاه پاسخ‌دهندگان داشته است. پس از آن، مؤلفه‌های «سیاست‌گذاری شفاف» ($4/32$)، «توانمندسازی منابع انسانی» ($3/98$) و «توسعه پایدار» ($3/45$) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مؤلفه «نوآوری و فناوری» با میانگین رتبه $2/85$ پایین‌ترین اولویت را دارا بوده است. این شکاف بین گفتار و عمل نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان برای توسعه روابط بین‌الملل و بهبود چارچوب‌های قانونی اهمیت بیشتری قائل هستند.

جدول ۹. مختصات مؤلفه‌ها در ماتریس اهمیت- عملکرد

مؤلفه	مختصات X (اهمیت)	مختصات Y (عملکرد)	ناحیه	وضعیت
شبکه‌سازی بین‌المللی	$0/90$	$0/88$	Q2	نقطه قوت استراتژیک
سیاست‌گذاری شفاف	$0/85$	$0/84$	Q2	نقطه قوت استراتژیک
توانمندسازی منابع انسانی	$0/68$	$0/70$	Q4	اقدامات تکمیلی
توسعه پایدار	$0/65$	$0/68$	Q4	اقدامات تکمیلی
نوآوری و فناوری	$0/45$	$0/60$	Q1	نیاز به بهبود فوری

مؤلفه «نوآوری و فناوری» با مختصات اهمیت $0/45$ و عملکرد $0/60$ در ناحیه Q1 (نیاز به بهبود فوری) قرار گرفته است. این یافته نشان‌دهنده یک تناقض راهبردی است: خبرگان علیرغم اذعان به ضرورت فناوری در مصاحبه‌های کیفی، در عمل اهمیت چندانی برای آن قائل نیستند و عملکرد آن نیز ضعیف ارزیابی شده است.

در مقابل، مؤلفه‌های «شبکه‌سازی بین‌المللی» و «سیاست‌گذاری شفاف» در ناحیه Q2 (نقاط قوت استراتژیک) قرار دارند که راهبرد «حفظ و تقویت مستمر» برای آن‌ها پیشنهاد می‌شود.

۴-۱۱. تحلیل عاملی تأییدی (CFA)

برای بررسی روایی سازه و تأیید ساختار عاملی پرسشنامه، از تحلیل عاملی تأییدی با نرم‌افزار SmartPLS استفاده شد.

جدول ۱۰. بارهای عاملی مؤلفه‌ها

مؤلفه	تعداد گویه‌ها	دامنه بارهای عاملی	t-value	نتیجه
شبکه‌سازی بین‌المللی	۵	$0/72 - 0/85$	$1/96 <$	تأیید
سیاست‌گذاری شفاف	۴	$0/69 - 0/82$	$1/96 <$	تأیید
توانمندسازی منابع انسانی	۴	$0/71 - 0/79$	$1/96 <$	تأیید
نوآوری و فناوری	۴	$0/68 - 0/78$	$1/96 <$	تأیید
توسعه پایدار	۸	$0/70 - 0/88$	$1/96 <$	تأیید

نتایج تحلیل عاملی تأییدی در جدول ۱۰ نشان می‌دهد که بارهای عاملی تمامی گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ و در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۸ قرار دارند. همچنین مقادیر t-value برای تمامی گویه‌ها بالاتر از ۱/۹۶ است که نشان‌دهنده معناداری آماری بارهای عاملی در سطح ۹۵ درصد می‌باشد.

جدول ۱۱. ماتریس همبستگی و روایی تشخیصی (معیار فورنل-لارکر)

مؤلفه	شبکه‌سازی	سیاست‌گذاری	توانمندسازی	نوآوری	توسعه پایدار
شبکه‌سازی	۰/۷۹				
سیاست‌گذاری	۰/۵۲	۰/۷۶			
توانمندسازی	۰/۴۸	۰/۴۵	۰/۷۵		
نوآوری	۰/۴۲	۰/۴۰	۰/۴۴	۰/۷۳	
توسعه پایدار	۰/۵۵	۰/۵۰	۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۸۱

بر اساس معیار فورنل-لارکر، روایی تشخیصی زمانی تأیید می‌شود که ریشه دوم AVE هر مؤلفه (اعداد روی قطر اصلی) از حداکثر همبستگی آن مؤلفه با سایر مؤلفه‌ها بزرگ‌تر باشد. یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد که این شرط برای تمامی مؤلفه‌ها برقرار است؛ بنابراین روایی تشخیصی مدل اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

۴-۱۲. تحلیل مدل معادلات ساختاری (SEM)

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط بین مؤلفه‌ها، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SmartPLS استفاده شد.

الف) شاخص‌های برازش مدل

جدول ۱۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مقدار	حد مطلوب	نتیجه
CFI (شاخص برازش تطبیقی)	۰/۹۳	$0.90 <$	مطلوب
TLI (شاخص تاکر-لویس)	۰/۹۱	$0.90 <$	مطلوب
RMSEA (ریشه میانگین مربعات خطا)	۰/۰۵	$0.08 >$	مطلوب
SRMR (ریشه میانگین مربعات باقیمانده)	۰/۰۶	$0.08 >$	مطلوب
NFI (شاخص برازش نرم‌شده)	۰/۹۰	$0.90 <$	مطلوب

تمام شاخص‌های برازش مدل در دامنه مطلوب قرار دارند که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل نهایی پژوهش است.

ب) ضرایب مسیر و آزمون فرضیه‌ها

جدول ۱۳. ضرایب مسیر و نتایج آزمون فرضیه‌ها

مسیر	ضریب مسیر (β)	انحراف معیار	t-value	سطح معناداری	نتیجه
شبکه‌سازی بین‌المللی ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۴۲	۰/۰۶	۷/۲۵	$p < 0/01$	تأیید
سیاست‌گذاری شفاف ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۳۵	۰/۰۵	۶/۸۰	$p < 0/01$	تأیید
توانمندسازی منابع انسانی ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۲۸	۰/۰۶	۴/۶۵	$p < 0/05$	تأیید
نوآوری و فناوری ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۲۰	۰/۰۷	۲/۸۵	$p < 0/05$	تأیید
شبکه‌سازی بین‌المللی ← توسعه پایدار	۰/۲۵	۰/۰۵	۴/۸۰	$p < 0/01$	تأیید
سیاست‌گذاری شفاف ← توسعه پایدار	۰/۲۲	۰/۰۶	۳/۹۰	$p < 0/01$	تأیید

توانمندسازی منابع انسانی ← توسعه پایدار	۰/۳۰	۰/۰۵	۵/۸۰	$p < 0/01$	تأیید
نوآوری و فناوری ← توسعه پایدار	۰/۲۸	۰/۰۶	۴/۹۰	$p < 0/01$	تأیید
دیپلماسی اقتصادی ← توسعه پایدار	۰/۳۲	۰/۰۵	۶/۲۰	$p < 0/01$	تأیید

نکته نظری مهم: تأثیر مستقیم توانمندسازی منابع انسانی بر توسعه پایدار (۰/۳۰) بیشتر از تأثیر آن بر دیپلماسی اقتصادی (۰/۲۸) است. این یافته با نظریه سرمایه انسانی بکر (۱۹۶۴) همسو است و نشان می‌دهد نیروی انسانی متخصص، علاوه بر بهبود تعاملات بین‌المللی، نقش مستقیم‌تری در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند.

همچنین شبکه‌سازی بین‌المللی با ضریب ۰/۴۲ قوی‌ترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی دارد که با نظریه وابستگی متقابل (کیوهین و نای، ۲۰۱۲) همخوانی دارد.

جدول ۱۴. ضرایب مسیر مدل ساختاری نهایی

مسیر	ضریب مسیر (β)	t-value	سطح معناداری
مسیرهای مستقیم به دیپلماسی اقتصادی			
شبکه‌سازی بین‌المللی ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۴۲	۷/۲۵	$p < 0/01$
سیاست‌گذاری شفاف ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۳۵	۶/۸۰	$p < 0/01$
توانمندسازی منابع انسانی ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۲۸	۴/۶۵	$p < 0/05$
نوآوری و فناوری ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۲۰	۲/۸۵	$p < 0/05$
مسیر مستقیم به توسعه پایدار			
دیپلماسی اقتصادی ← توسعه پایدار	۰/۳۲	۶/۲۰	$p < 0/01$
مسیرهای مستقیم مؤلفه‌ها به توسعه پایدار			
شبکه‌سازی بین‌المللی ← توسعه پایدار	۰/۲۵	۴/۸۰	$p < 0/01$
سیاست‌گذاری شفاف ← توسعه پایدار	۰/۲۲	۳/۹۰	$p < 0/01$
توانمندسازی منابع انسانی ← توسعه پایدار	۰/۳۰	۵/۸۰	$p < 0/01$
نوآوری و فناوری ← توسعه پایدار	۰/۲۸	۴/۹۰	$p < 0/01$

جدول ۱۴، به بررسی ضرایب مسیر مدل ساختاری نهایی می‌پردازد و روابط علی بین متغیرهای مستقل (پنج مؤلفه دیپلماسی مناطق آزاد)، متغیر میانجی (دیپلماسی اقتصادی) و متغیر وابسته (توسعه پایدار) را نشان می‌دهد. این جدول شامل سه دسته مسیر است: مسیرهای مستقیم مؤلفه‌ها به دیپلماسی اقتصادی، مسیر مستقیم دیپلماسی اقتصادی به توسعه پایدار و مسیرهای مستقیم مؤلفه‌ها به توسعه پایدار. ضرایب مسیر (β) نشان‌دهنده قدرت و جهت تأثیر و مقادیر t-value بیانگر معناداری آماری روابط هستند.

مسیرهای مستقیم به دیپلماسی اقتصادی:

یافته‌های جدول ۱۴ نشان می‌دهد که تمامی پنج مؤلفه اصلی تأثیر مثبت و معناداری بر دیپلماسی اقتصادی دارند. مؤلفه «شبکه‌سازی بین‌المللی» با ضریب مسیر ۰/۴۲ و t-value برابر ۷/۲۵ ($p < ۰/۰۱$) قوی‌ترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی دارد و بالاترین مقدار t-value در میان تمامی مسیرها (۷/۲۵) بیانگر قوی‌ترین سطح معناداری برای این رابطه است. مؤلفه «سیاست‌گذاری شفاف» با ضریب مسیر ۰/۳۵ و t-value برابر ۶/۸۰ ($p < ۰/۰۱$) در رتبه دوم تأثیرگذاری قرار دارد و مقدار t-value بالای ۶/۸۰ نشان‌دهنده معناداری قوی این رابطه در سطح ۹۹ درصد اطمینان است. مؤلفه «توانمندسازی منابع انسانی» با ضریب مسیر ۰/۲۸ و t-value برابر ۴/۶۵ ($p < ۰/۰۵$)

در رتبه سوم تأثیرگذاری قرار دارد و با توجه به سطح معناداری ۹۵ درصد، تأثیر مثبت و قابل قبولی بر دیپلماسی اقتصادی دارد. مؤلفه «نوآوری و فناوری» با ضریب مسیر ۰/۲۰ و t-value برابر ۲/۸۵ ($p < ۰/۰۵$) ضعیف‌ترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی دارد و هرچند این رابطه در سطح ۹۵ درصد معنادار است، اما ضریب پایین آن بیانگر ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه است.

مسیر مستقیم به توسعه پایدار:

مؤلفه «دیپلماسی اقتصادی» با ضریب مسیر ۰/۳۲ و t-value برابر ۶/۲۰ ($p < ۰/۰۱$) تأثیر معناداری بر توسعه پایدار دارد و این یافته نشان می‌دهد که بهبود دیپلماسی اقتصادی مناطق آزاد می‌تواند به ارتقای توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی منجر شود.

مسیرهای مستقیم مؤلفه‌ها به توسعه پایدار:

بررسی تأثیر مستقیم مؤلفه‌ها بر توسعه پایدار (بدون میانجی‌گری دیپلماسی اقتصادی) نشان می‌دهد که مؤلفه «توانمندسازی منابع انسانی» با ضریب مسیر ۰/۳۰ و t-value برابر ۵/۸۰ ($p < ۰/۰۱$) قوی‌ترین تأثیر مستقیم را بر توسعه پایدار دارد و جالب توجه اینکه تأثیر این مؤلفه بر توسعه پایدار (۰/۳۰) بیشتر از تأثیر آن بر دیپلماسی اقتصادی (۰/۲۸) است که نشان می‌دهد نیروی انسانی متخصص، علاوه بر بهبود تعاملات بین‌المللی، نقش مستقیم‌تری در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند. مؤلفه «نوآوری و فناوری» با ضریب مسیر ۰/۲۸ و t-value برابر ۴/۹۰ ($p < ۰/۰۱$) در رتبه دوم تأثیر مستقیم بر توسعه پایدار قرار دارد و این یافته نشان می‌دهد که اگرچه این مؤلفه تأثیر ضعیفی بر دیپلماسی اقتصادی دارد، اما می‌تواند به طور مستقیم بر توسعه پایدار تأثیرگذار باشد. مؤلفه «شبکه‌سازی بین‌المللی» با ضریب مسیر ۰/۲۵ و t-value برابر ۴/۸۰ ($p < ۰/۰۱$) و مؤلفه «سیاست‌گذاری شفاف» با ضریب مسیر ۰/۲۲ و t-value برابر ۳/۹۰ ($p < ۰/۰۱$) به ترتیب در رتبه‌های بعدی تأثیر مستقیم بر توسعه پایدار قرار دارند.

تمام مقادیر t-value برای مسیرهای مختلف بالاتر از ۱/۹۶ است که نشان‌دهنده تأیید تمامی روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. شبکه‌سازی بین‌المللی با ضریب ۰/۴۲ مهم‌ترین عامل تقویت دیپلماسی اقتصادی است، توانمندسازی منابع انسانی با ضریب ۰/۳۰ قوی‌ترین تأثیر مستقیم را بر توسعه پایدار دارد و دیپلماسی اقتصادی با ضریب ۰/۳۲ نقش میانجی معناداری در انتقال اثر مؤلفه‌ها به توسعه پایدار ایفا می‌کند.

۴-۱۳. تحلیل ترکیبی و بحث

جدول ۱۵. رتبه‌بندی ضرایب تأثیر مؤلفه‌ها

رتبه	مسیر	ضریب مسیر	سطح تأثیر
۱	شبکه‌سازی بین‌المللی ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۴۲	بسیار قوی
۲	سیاست‌گذاری شفاف ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۳۵	قوی
۳	دیپلماسی اقتصادی ← توسعه پایدار	۰/۳۲	قوی
۴	توانمندسازی منابع انسانی ← توسعه پایدار	۰/۳۰	قوی
۵	توانمندسازی منابع انسانی ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۲۸	متوسط
۶	نوآوری و فناوری ← توسعه پایدار	۰/۲۸	متوسط
۷	شبکه‌سازی بین‌المللی ← توسعه پایدار	۰/۲۵	متوسط
۸	سیاست‌گذاری شفاف ← توسعه پایدار	۰/۲۲	ضعیف
۹	نوآوری و فناوری ← دیپلماسی اقتصادی	۰/۲۰	ضعیف

جدول ۱۵، به رتبه‌بندی ضرایب تأثیر مؤلفه‌ها بر اساس قدرت تأثیر (ضریب مسیر) می‌پردازد و نه مسیر مختلف را به ترتیب از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین تأثیر طبقه‌بندی کرده است. این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که مسیر «شبکه‌سازی بین‌المللی ← دیپلماسی اقتصادی» با ضریب ۰/۴۲ در رتبه اول قرار دارد و با سطح تأثیر «بسیار قوی» به عنوان مهم‌ترین رابطه علی در مدل پژوهش شناخته می‌شود، به این معنا که شبکه‌سازی بین‌المللی قوی‌ترین عامل تقویت دیپلماسی اقتصادی مناطق آزاد است. مسیر «سیاست‌گذاری شفاف ← دیپلماسی اقتصادی»

با ضریب ۰/۳۵ در رتبه دوم و با سطح تأثیر «قوی» قرار گرفته است که نشان‌دهنده نقش مهم ثبات قوانین و شفافیت مقررات در بهبود دیپلماسی اقتصادی می‌باشد. مسیر «دیپلماسی اقتصادی» — توسعه پایدار» با ضریب ۰/۳۲ در رتبه سوم و با سطح تأثیر «قوی» قرار دارد که بیانگر نقش میانجی معنادار دیپلماسی اقتصادی در انتقال اثر مؤلفه‌ها به توسعه پایدار است. مسیر «توانمندسازی منابع انسانی» — توسعه پایدار» با ضریب ۰/۳۰ در رتبه چهارم و با سطح تأثیر «قوی» قرار گرفته و جالب توجه اینکه تأثیر مستقیم توانمندسازی منابع انسانی بر توسعه پایدار از تأثیر آن بر دیپلماسی اقتصادی قوی‌تر است. مسیر «توانمندسازی منابع انسانی» — دیپلماسی اقتصادی» با ضریب ۰/۲۸ در رتبه پنجم و با سطح تأثیر «متوسط» قرار دارد و مسیر «نوآوری و فناوری» — توسعه پایدار» نیز با همین ضریب ۰/۲۸ در رتبه ششم و با سطح تأثیر «متوسط» قرار گرفته است که نشان می‌دهد نوآوری و فناوری اگرچه تأثیر ضعیفی بر دیپلماسی اقتصادی دارد، اما تأثیر نسبتاً قابل توجهی بر توسعه پایدار دارد. مسیر «شبکه‌سازی بین‌المللی» — توسعه پایدار» با ضریب ۰/۲۵ در رتبه هفتم و با سطح تأثیر «متوسط» و مسیر «سیاست‌گذاری شفاف» — توسعه پایدار» با ضریب ۰/۲۲ در رتبه هشتم و با سطح تأثیر «ضعیف» قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهد این دو مؤلفه بیشتر از طریق دیپلماسی اقتصادی (به صورت غیرمستقیم) بر توسعه پایدار تأثیر می‌گذارند تا به صورت مستقیم. مسیر «نوآوری و فناوری» — دیپلماسی اقتصادی» با ضریب ۰/۲۰ در رتبه نهم و با سطح تأثیر «ضعیف» قرار دارد که پایین‌ترین رتبه را در بین تمامی مسیرها به خود اختصاص داده است. در مجموع، این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که شبکه‌سازی بین‌المللی و سیاست‌گذاری شفاف بیشترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی دارند، توانمندسازی منابع انسانی و نوآوری و فناوری بیشترین تأثیر مستقیم را بر توسعه پایدار دارند و دیپلماسی اقتصادی نقش میانجی معناداری در انتقال اثر مؤلفه‌ها به توسعه پایدار ایفا می‌کند.

۱. شبکه‌سازی بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای

یافته‌های پژوهش نشان داد که شبکه‌سازی بین‌المللی با ضریب مسیر ۰/۴۲، قوی‌ترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی مناطق آزاد دارد. این یافته با نظریه وابستگی متقابل در روابط بین‌الملل همخوانی دارد. بر اساس این نظریه، کشورها و مناطق اقتصادی با ایجاد شبکه‌های گسترده همکاری، وابستگی متقابل مثبت ایجاد کرده و از این طریق، بستر همکاری‌های پایدار را فراهم می‌آورند (Keohane & Nye, 2012).

مصاحبه‌شوندگان نیز بر این نکته تأکید داشتند که در شرایط تحریم، شبکه‌سازی با کشورهای همسایه و استفاده از ظرفیت پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند بسیاری از محدودیت‌ها را کاهش دهد. این یافته با پژوهش فرولی (Farole, 2011) در مورد موفقیت مناطق آزاد آفریقا همسو است.

۲. سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی

ضریب مسیر ۰/۳۵ برای تأثیر سیاست‌گذاری شفاف بر دیپلماسی اقتصادی نشان‌دهنده اهمیت ثبات قانونی و شفافیت مقررات است. این یافته با نظریه نهادگرایی در اقتصاد نهادی قابل تبیین است. نهادگرایان بر این باورند که کیفیت نهادها و قوانین، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده موفقیت اقتصادی است (North, 1990).

یافته‌های کیفی نیز نشان داد که سرمایه‌گذار خارجی قبل از هر چیز به دنبال امنیت حقوقی است. این موضوع با گزارش بانک جهانی (World Bank, 2017) در مورد عوامل موفقیت مناطق ویژه اقتصادی همخوانی دارد.

۳. توانمندسازی منابع انسانی و دانش تخصصی

ضریب مسیر ۰/۲۸ برای تأثیر توانمندسازی منابع انسانی بر دیپلماسی اقتصادی نشان‌دهنده نقش سرمایه انسانی در موفقیت مناطق آزاد است. این یافته با نظریه سرمایه انسانی شولتز و بکر قابل توضیح است. بر اساس این نظریه، سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌افزایی، بازدهی اقتصادی بالایی دارد (Becker, 1964).

جالب توجه اینکه تأثیر توانمندسازی منابع انسانی بر توسعه پایدار (۰/۳۰) بیشتر از تأثیر آن بر دیپلماسی اقتصادی (۰/۲۸) است. این نشان می‌دهد که نیروی انسانی متخصص، علاوه بر بهبود تعاملات بین‌المللی، نقش مستقیم‌تری در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند.

۴. نوآوری و فناوری‌های نوین

اگرچه نوآوری و فناوری با میانگین ۳/۷۵ پایین‌ترین رتبه را در بین مؤلفه‌ها داشت، اما تأثیر آن بر توسعه پایدار (۰/۲۸) قابل توجه است. این یافته با نظریه تکامل اقتصادی شومپتر همخوانی دارد که نوآوری را موتور اصلی توسعه اقتصادی می‌داند (Schumpeter, 1934). پایین بودن میانگین این مؤلفه در مناطق آزاد ایران نشان‌دهنده عقب‌ماندگی فناورانه و نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه است. مصاحبه‌شوندگان نیز به ضعف در دیجیتال‌سازی و استفاده از فناوری‌های نوین اشاره کردند.

۵. توسعه پایدار

میانگین ۳/۸۲ برای توسعه پایدار نشان‌دهنده وضعیت متوسط آن در مناطق آزاد است. با این حال، بررسی ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار در فاز کیفی نشان داد که توجه نابرابر به این ابعاد وجود دارد:

- بعد اقتصادی: وضعیت نسبتاً مطلوب
- بعد اجتماعی- فرهنگی: وضعیت متوسط
- بعد زیست‌محیطی: وضعیت نامطلوب

این یافته با نظریه توسعه پایدار ساکس (Sachs, 2015) قابل نقد است. ساکس تأکید می‌کند که توسعه واقعی زمانی محقق می‌شود که هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به طور متوازن مورد توجه قرار گیرند. غفلت از بعد زیست‌محیطی، پایداری بلندمدت توسعه را به خطر می‌اندازد.

۴-۱۴. تحلیل یکپارچه و نوآوری پژوهش: نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها

مهم‌ترین یافته پژوهش که به عنوان نوآوری نظری محسوب می‌شود، شناسایی نقش تعدیل‌گر منفی تحریم‌های بین‌المللی است. بر اساس یافته‌های مدل ساختاری، تحریم‌ها رابطه بین دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار را با ضریب ۰/۲۵- تضعیف می‌کنند. همچنین بیشترین میانگین تأثیر تحریم‌ها مربوط به محدودیت‌های بانکی و مالی با میانگین ۴/۴۵ است که نشان‌دهنده مهم‌ترین مانع در مسیر دیپلماسی اقتصادی جزایر ایرانی خلیج فارس می‌باشد.

تحلیل نظری نوآورانه: در شرایط تحریم، مدل خطی «شبکه‌سازی → دیپلماسی اقتصادی → توسعه پایدار» با اختلال مواجه می‌شود. یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که خبرگان راهبرد «شبکه‌سازی هوشمندانه با همسایگان (اکو، شانگهای)» را به عنوان راهکار خنثی‌سازی تحریم‌ها پیشنهاد کرده‌اند. این یافته مدل وابستگی متقابل متقارن (کیوهین و نای، ۲۰۱۲) را در بافت تحریم به چالش می‌کشد و نیاز به نظریه‌پردازی جدید در «دیپلماسی اقتصادی در شرایط محاصره» را نشان می‌دهد.

جدول ۱۵. رتبه‌بندی ضرایب تأثیر مؤلفه‌ها (شامل نقش تحریم‌ها)

رتبه	ضریب مسیر	مسیر	سطح تأثیر
۱	۰/۴۲	شبکه‌سازی ← دیپلماسی اقتصادی	بسیار قوی
۲	۰/۳۵	سیاست‌گذاری ← دیپلماسی اقتصادی	قوی
۳	۰/۳۲	دیپلماسی اقتصادی ← توسعه پایدار	قوی
۴	۰/۳۰	توانمندسازی ← توسعه پایدار	قوی
۵	۰/۲۸	توانمندسازی ← دیپلماسی اقتصادی	متوسط
۶	۰/۲۸	نوآوری ← توسعه پایدار	متوسط
۷	۰/۲۵	شبکه‌سازی ← توسعه پایدار	متوسط
۸	۰/۲۲	سیاست‌گذاری ← توسعه پایدار	ضعیف
۹	۰/۲۰	نوآوری ← دیپلماسی اقتصادی	ضعیف
-	۰/۲۵	تأثیر تعدیل‌گر تحریم‌ها	تضعیف‌کننده

۵. جمع‌بندی و تحلیل یکپارچه یافته‌های پژوهش

بررسی جامع یافته‌های کمی و کیفی این پژوهش، تصویری روشن از وضعیت دیپلماسی مناطق آزاد در جزایر ایرانی خلیج فارس و پیامدهای آن بر توسعه پایدار ارائه می‌دهد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که پنج مؤلفه اصلی شامل شبکه‌سازی بین‌المللی، سیاست‌گذاری شفاف، توانمندسازی منابع انسانی، نوآوری و فناوری و توجه به توسعه پایدار، ابعاد کلیدی دیپلماسی مناطق آزاد را تشکیل می‌دهند که هر یک به میزان متفاوتی بر دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار تأثیر می‌گذارند.

اولویت‌بندی و عملکرد مؤلفه‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌سازی بین‌المللی با ضریب تأثیر ۰/۴۲، میانگین عملکرد ۴/۳۲ و رتبه اول اهمیت، قوی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه دیپلماسی مناطق آزاد است که بیانگر نقش حیاتی توسعه روابط با کشورهای همسایه، حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی و انعقاد موافقتنامه‌های همکاری در موفقیت دیپلماسی اقتصادی می‌باشد. در رتبه دوم، سیاست‌گذاری شفاف با ضریب تأثیر ۰/۳۵ و میانگین عملکرد ۴/۲۱ قرار دارد که نشان‌دهنده اهمیت ثبات قوانین، شفافیت مقررات و امنیت حقوقی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. توانمندسازی منابع انسانی با ضریب تأثیر ۰/۲۸ و میانگین عملکرد ۳/۸۵ در رتبه سوم و توسعه پایدار با میانگین عملکرد ۳/۸۲ در رتبه چهارم قرار گرفته‌اند. نوآوری و فناوری با ضریب تأثیر ۰/۲۰ و میانگین عملکرد ۳/۷۵ به عنوان ضعیف‌ترین مؤلفه شناسایی شده است که زنگ خطری جدی برای مدیران و سیاست‌گذاران محسوب می‌شود.

تحلیل روابط ساختاری: مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار دارند و مقادیر t -value بالاتر از ۱/۹۶، معناداری تمامی روابط را در سطح ۹۵ درصد تأیید می‌کند. شبکه‌سازی بین‌المللی قوی‌ترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی دارد و توانمندسازی منابع انسانی با ضریب ۰/۳۰ قوی‌ترین تأثیر مستقیم را بر توسعه پایدار ایفا می‌کند. نکته حائز اهمیت اینکه تأثیر توانمندسازی منابع انسانی بر توسعه پایدار (۰/۳۰) بیشتر از تأثیر آن بر دیپلماسی اقتصادی (۰/۲۸) است که نشان می‌دهد سرمایه انسانی متخصص، علاوه بر بهبود تعاملات بین‌المللی، نقش مستقیم‌تری در تحقق اهداف توسعه پایدار دارد. که یک یافته مهم و کمتر مورد توجه در ادبیات پیشین است.

تحلیل ماتریس اهمیت- عملکرد: موقعیتیابی مؤلفه‌ها در ماتریس اهمیت-عملکرد نشان می‌دهد که شبکه‌سازی بین‌المللی و سیاست‌گذاری شفاف در ناحیه نقاط قوت استراتژیک (Q2) قرار دارند که بیانگر عملکرد مطلوب در حوزه‌های دارای اهمیت بالا است. توانمندسازی منابع انسانی و توسعه پایدار در ناحیه اقدامات تکمیلی (Q4) قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده عملکرد خوب اما اهمیت نسبتاً پایین‌تر این مؤلفه‌هاست. نوآوری و فناوری در ناحیه نیاز به بهبود فوری (Q1) قرار دارد که هشدار جدی برای سرمایه‌گذاری هدفمند در این حوزه است.

نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها: مهم‌ترین یافته پژوهش، شناسایی نقش تعدیل‌گر تحریم‌های بین‌المللی با ضریب ۰/۳۵- بر دیپلماسی مناطق آزاد و تضعیف رابطه آن با توسعه پایدار با ضریب ۰/۲۵- است. بالاترین میانگین تأثیر تحریم‌ها مربوط به محدودیت‌های بانکی و مالی با میانگین ۴/۴۵ است که نشان‌دهنده مهم‌ترین مانع در مسیر دیپلماسی اقتصادی جزایر ایرانی خلیج فارس می‌باشد. با این حال، تحلیل کیفی نشان می‌دهد که شبکه‌سازی هوشمندانه با کشورهای همسایه و استفاده از ظرفیت پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند بخشی از اثرات منفی تحریم‌ها را خنثی کند. تحریم‌های بین‌المللی با ضریب ۰/۲۵- به عنوان مهم‌ترین مانع ساختاری شناسایی شدند که رابطه دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار را تضعیف می‌کنند.

تبیین واریانس توسعه پایدار: مدل نهایی پژوهش توانسته است ۵۸ درصد از واریانس توسعه اقتصادی، ۴۵ درصد از واریانس توسعه اجتماعی و ۳۲ درصد از واریانس توسعه زیست‌محیطی را تبیین کند. این ارقام نشان می‌دهد که دیپلماسی مناطق آزاد بیشترین تأثیر را بر بعد اقتصادی و کمترین تأثیر را بر بعد زیست‌محیطی توسعه داشته است که بیانگر توجه نابرابر به ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار در سیاست‌گذاری‌های فعلی است، این ارقام نشان‌دهنده توجه نابرابر به ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار در سیاست‌گذاری‌های فعلی است.

جمع‌بندی نهایی: یافته‌های پژوهش به طور یکپارچه نشان می‌دهد که شبکه‌سازی بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه و نوآوری و فناوری به عنوان ضعیف‌ترین مؤلفه دیپلماسی مناطق آزاد شناسایی شده‌اند. دیپلماسی اقتصادی نقش میانجی معناداری در انتقال اثر مؤلفه‌ها به توسعه پایدار ایفا می‌کند و تحریم‌های بانکی به عنوان مهم‌ترین مانع ساختاری، روابط را تضعیف می‌کنند. بین اولویت، عملکرد و ضریب تأثیر مؤلفه‌ها رابطه مستقیم وجود دارد و موفقیت دیپلماسی مناطق آزاد در گرو تقویت شبکه‌سازی بین‌المللی، بهبود چارچوب‌های قانونی، سرمایه‌گذاری در نوآوری و فناوری، توجه متوازن به ابعاد توسعه پایدار و اتخاذ راهبردهای هوشمندانه برای کاهش اثرات تحریم‌ها است. موفقیت دیپلماسی مناطق آزاد در گرو تقویت همزمان شبکه‌سازی بین‌المللی (حفظ نقطه قوت)، سرمایه‌گذاری هدفمند در نوآوری و فناوری (رفع نقطه ضعف فوری)، و توجه متوازن به ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار است. همچنین اتخاذ راهبردهای هوشمندانه برای کاهش اثرات تحریم‌ها (از طریق همکاری منطقه‌ای) یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دیپلماسی مناطق آزاد در جزایر ایرانی خلیج فارس دارای پنج مؤلفه اصلی شبکه‌سازی بین‌المللی، سیاست‌گذاری شفاف، توانمندسازی منابع انسانی، نوآوری و فناوری، و توجه به توسعه پایدار است. این یافته با مطالعات فارول (۲۰۱۱) و بانک جهانی (۲۰۱۷) که بر اهمیت چارچوب نهادی کارآمد در موفقیت مناطق آزاد تأکید داشتند، همسو است، اما فراتر از آن، ابعاد تازه‌ای مانند شبکه‌سازی فرامرزی و دیپلماسی عمومی را به ادبیات موجود اضافه می‌کند. یافته‌ای که نشان می‌دهد شبکه‌سازی بین‌المللی با ضریب ۰/۴۲ قوی‌ترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی دارد، با نظریه روزنا (وحیدی، ۱۳۸۶) درباره افزایش نقش بازیگران فراملی در کارکرد دیپلماسی همخوانی دارد. به عبارت دیگر، در شرایطی که دیپلماسی رسمی دولت با محدودیت‌های ناشی از تحریم مواجه است، مناطق آزاد می‌توانند به عنوان کنشگران فراملی، شبکه‌های تجاری مستقلی ایجاد کنند. این یافته همچنین تبیین تجربی برای مفهوم «دیپلماسی تجاری» به تعریف باریچ و جیمز (ملایک و همکاران، ۱۳۹۰) فراهم می‌آورد که دیپلماسی تجاری را خدمت‌رسانی دولت به جامعه بازرگانی برای توسعه فعالیت‌های بین‌المللی می‌داند؛ اما یافته حاضر نشان می‌دهد که در شرایط تحریمی، این خدمت‌رسانی باید از حالت سنتی خارج شده و به سمت ایجاد «مناطق آزاد مشترک» و «توافقنامه‌های دوجانبه مستقل از نظام بانکی جهانی» حرکت کند. قرار گرفتن سیاست‌گذاری شفاف با ضریب ۰/۳۵ در رتبه دوم مؤلفه‌های مؤثر، مؤید نظریه حافظ‌نیا (۱۳۹۴) درباره چالش حکمرانی دوگانه مناطق آزاد ایران است. یافته کیفی پژوهش حاضر که سرمایه‌گذاران خارجی را به دنبال امنیت حقوقی و ثبات قوانین معرفی می‌کند، دقیقاً همان نقطه‌ای است که ساختار حکمرانی دوگانه (مدیریت سیاسی فضا در کنار مدیریت سازمانی مناطق آزاد) آن را تضعیف می‌کند. تداخل وظایف میان سازمان مناطق آزاد و نهادهای محلی که در مصاحبه‌های ما به عنوان یکی از موانع اصلی شناسایی شد، بیانگر همان «دوگانگی نهادی» است که حافظ‌نیا (۱۳۸۱) پیشتر آن را به عنوان یکی از چالش‌های ساختاری مناطق آزاد ایران مطرح کرده بود. یافته قابل تأمل دیگر، تأثیرگذاری بیشتر مؤلفه توانمندسازی منابع انسانی بر توسعه پایدار (۰/۳۰) نسبت به دیپلماسی اقتصادی (۰/۲۸) است. این یافته از یک سو با مطالعات روپل و زویدما (۲۰۱۲) که بر نقش دیپلماسی محلی در گسترش همکاری‌های فرامرزی تأکید داشتند، همسو است و از سوی دیگر، یک هشدار نظری مهم ارائه می‌دهد: نیروی انسانی متخصص در مناطق آزاد، صرفاً یک «ابزار» برای تسهیل تعاملات بین‌المللی نیست، بلکه خود به عنوان «هدف» توسعه پایدار (بعد اجتماعی) نیز ایفای نقش می‌کند. این یافته را می‌توان در چارچوب دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جوزف نای (۲۰۰۸) نیز تفسیر کرد: نیروی انسانی ماهر و توانمند، یکی از منابع جذابیت (قدرت نرم) یک منطقه آزاد است و می‌تواند بدون نیاز به ابزارهای سخت و سنتی، سرمایه‌گذاران و گردشگران خارجی را جذب کند. در مقابل، یافته مربوط به نوآوری و فناوری با ضریب ۰/۲۰ بر دیپلماسی اقتصادی و میانگین عملکرد ۳/۷۵ (پایین‌ترین رتبه) نشان‌دهنده عقب‌ماندگی فناورانه مناطق آزاد ایران است. این یافته با تجربه کشورهای موفق مانند چین، امارات و ترکیه (وایت، ۱۳۷۹) که دیپلماسی مناطق آزاد خود را بر پایه فناوری‌های نوین و دیجیتال‌سازی بنا کرده‌اند، در تضاد آشکار است. در امارات، منطقه آزاد دبی (JAFZA) با بهره‌گیری از گمرک هوشمند و بلاک‌چین، توانسته است در اوج تحریم‌های منطقه‌ای، جایگاه خود را به عنوان قطب لجستیک حفظ کند؛ اما مناطق آزاد ایران همچنان درگیر فرآیندهای سنتی و کاغذی هستند. این عقب‌ماندگی را می‌توان نتیجه دو عامل دانست: نخست، تحریم‌های بین‌المللی که دسترسی به فناوری‌های روز را محدود کرده است؛ دوم، عدم پیوند مؤثر مناطق آزاد با اقتصاد دانش‌بنیان داخلی که رضوانی و موسوی (۱۳۹۳) نیز به آن اشاره کرده بودند. در بررسی تأثیر دیپلماسی مناطق آزاد بر ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار، یافته‌ها نشان داد که بیشترین تأثیر مربوط به توسعه اقتصادی (ضریب ۰/۶۵) و کمترین تأثیر مربوط به توسعه زیست‌محیطی (ضریب ۰/۲۸) است. میانگین توسعه زیست‌محیطی (۲/۴۵) در سطح نامطلوب ارزیابی شد و مصاحبه‌شوندگان به آسیب به جنگل‌های حرا و اکوسیستم‌های ساحلی اشاره کردند. این یافته با نظریه ساکس (۲۰۱۵) درباره توسعه پایدار که بر توازن هر سه بعد تأکید دارد، در تضاد است. به عبارت دیگر، آنچه در جزایر ایرانی خلیج فارس در حال وقوع است، «رشد اقتصادی» است نه «توسعه پایدار». این وضعیت را می‌توان در چارچوب نظریه «نفرین منابع» (Resource Curse) نیز تفسیر کرد: تمرکز صرف بر جذب سرمایه و افزایش صادرات (بعد اقتصادی)، بدون توجه به پیامدهای زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی، در بلندمدت خود سرمایه اقتصادی را نیز تخریب خواهد کرد، زیرا جنگل‌های حرا و اکوسیستم‌های مرجانی، پایه اصلی صنعت گردشگری و معیشت محلی هستند. مهم‌ترین یافته پژوهش، نقش تعدیل‌گر تحریم‌های بین‌المللی با ضریب ۰/۲۵- است. این یافته از یک سو با مطالعات هافبائر و همکاران (۲۰۰۹) و توربات (۲۰۱۸) که اثرات منفی تحریم بر اقتصاد ایران را مستند کرده‌اند، همسو است و از سوی درونمایه نظری تازه‌ای به ادبیات دیپلماسی اقتصادی اضافه می‌کند: تحریم‌ها نه تنها به طور مستقیم اقتصاد کشور را محدود می‌کنند، بلکه به طور غیرمستقیم و از طریق تضعیف رابطه بین دیپلماسی مناطق آزاد و توسعه پایدار نیز عمل می‌کنند. بالاترین میانگین تأثیر تحریم‌ها مربوط به محدودیت‌های بانکی و مالی (۴/۴۵) بود. این یافته با نظر آدام واتسون (بارستون، ۱۳۷۴) که دیپلماسی را مدیریت بر تحولات از طریق مجاب‌سازی تعریف می‌کند، قابل تطبیق است؛ در شرایط تحریم بانکی، ابزار سنتی مجاب‌سازی (مانند گشایش اعتبار اسنادی و ضمانت‌های بانکی بین‌المللی) از کار می‌افتد و مناطق آزاد ناگزیر به استفاده از مکانیسم‌های جایگزین مانند

مبادلات پایایی، ارزشهای دیجیتال ملی و کانالهای مالی غیررسمی هستند که این امر خود هزینه مبادله را افزایش داده و شفافیت را کاهش می‌دهد. مدل نهایی پژوهش نشان داد که پنج مؤلفه شناسایی شده، ۵۸ درصد از واریانس توسعه اقتصادی، ۴۵ درصد از واریانس توسعه اجتماعی و ۳۲ درصد از واریانس توسعه زیست‌محیطی را تبیین می‌کنند. این اعداد نشان می‌دهند که اگرچه دیپلماسی مناطق آزاد نقش مهمی در پایداری توسعه ایفا می‌کند، اما بخش قابل توجهی از واریانس (به ویژه در بعد زیست‌محیطی با ۶۸ درصد باقیمانده) توسط عوامل دیگری تبیین می‌شود که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. از جمله این عوامل می‌توان به سیاست‌های کلان ملی در حوزه محیط زیست، ثبات مدیریتی در سازمان مناطق آزاد، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی بلندمدت و شرایط ژئوپلیتیکی منطقه اشاره کرد. این یافته با مدل حکمرانی چندسطحی اگرنیو (۲۰۱۳) هماهنگ است که بر تأثیر هم‌زمان عوامل محلی، ملی و بین‌المللی بر توسعه فضاهای جغرافیایی تأکید دارد. از منظر روش‌شناختی، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته و طرح اکتشافی متوالی، توانست محدودیت مطالعات پیشین که عمدتاً تک‌رویکردی بودند (یا صرفاً کیفی و یا صرفاً کمی) را پوشش دهد. ترکیب یافته‌های کیفی (کدهای باز و مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها) با آزمون کمی آن‌ها (مدل معادلات ساختاری) اعتبار یافته‌ها را افزایش داد. با این حال، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود: نخست، همبستگی مقطعی داده‌ها (جمع‌آوری در یک بازه زمانی) امکان نتیجه‌گیری قطعی درباره علیت را محدود می‌کند. دوم، تمرکز جغرافیایی بر سه منطقه آزاد کیش، قشم و چابهار، تعمیم نتایج به سایر مناطق (مانند انزلی و ارس) را با احتیاط مواجه می‌سازد. سوم، عدم دسترسی به برخی داده‌های طبقه‌بندی شده درباره حجم دقیق سرمایه‌گذاری خارجی در جزایر (به دلیل حساسیت‌های تحریمی) امکان سنجش عینی‌تر برخی شاخص‌ها را فراهم نکرد. در مقایسه با مطالعات پیشین، پژوهش حاضر از چند حیث نوآوری دارد: نخست، ارائه یک مدل تجربی از دیپلماسی مناطق آزاد در بستر تحریم‌های بین‌المللی که در ادبیات داخلی و خارجی کم‌نظیر است. دوم، سنجش هم‌زمان تأثیر دیپلماسی مناطق آزاد بر هر سه بعد توسعه پایدار (نه صرفاً بعد اقتصادی) که در مطالعات پیشین مانند فارول (۲۰۱۱) و بانک جهانی (۲۰۱۷) مغفول مانده بود. سوم، شناسایی نقش تعدیل‌گر تحریم‌ها و تفکیک تأثیر مستقیم تحریم بر دیپلماسی از تأثیر غیرمستقیم آن از طریق تضعیف رابطه دیپلماسی-توسعه. این نوآوری به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا راهبردهای خود را متناسب با هر دو نوع اثرگذاری تحریم طراحی کنند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آینده دیپلماسی مناطق آزاد ایران در جزایر خلیج فارس در گرو گذار از رویکرد صرفاً اقتصادی به رویکرد یکپارچه توسعه پایدار است. شبکه‌سازی بین‌المللی و سیاست‌گذاری شفاف، دو مؤلفه‌ای هستند که بیشترین نقش را در این گذار ایفا می‌کنند، اما بدون توجه هم‌زمان به توانمندسازی منابع انسانی، نوآوری فناورانه و حفاظت از محیط زیست، هرگونه توسعه در جزایر ناپایدار خواهد بود. تحریم‌های بین‌المللی اگرچه مانعی جدی محسوب می‌شوند، اما با اتخاذ راهبردهای هوشمندانه مانند ایجاد مناطق آزاد مشترک با کشورهای همسایه، استفاده از ارزشهای دیجیتال ملی و تقویت دیپلماسی عمومی (قدرت نرم)، می‌توان اثرات آن را به حداقل رساند. جزایر کیش، قشم، هندورابی، هنگام، لارک، ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک با ظرفیت‌های منحصر به فرد خود، پتانسیل تبدیل شدن به ویتترین دیپلماسی اقتصادی ایران را دارند، اما تحقق این مهم مستلزم عزم ملی، هماهنگی بین‌بخشی، ثبات مدیریتی و نگاه راهبردی به دیپلماسی اقتصادی فراتر از دولت‌های کوتاه‌مدت است.

۷. منابع

۱. امینی، علیرضا. (۱۳۸۸). دیپلماسی اقتصادی و جایگاه آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳(۱)، ۱۵۵-۱۷۷.
۲. پیرسلامی، فرشاد و اسمعیلی، علیرضا. (۱۳۹۸). دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار در مناطق آزاد. فصلنامه مطالعات راهبردی (۸۲)، ۵۰-۷۴.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۴). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
۵. حسین‌خانی، مهدی. (۱۳۹۰). مناطق آزاد تجاری و نقش آن در توسعه اقتصادی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۶. دهقانی، مهدی. (۱۳۹۶). اقتصاد مناطق آزاد: مبانی، تجارب و چشم‌انداز. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. رضوانی، علی‌اصغر و موسوی، سیدمحمد. (۱۳۹۳). تحلیل فضایی مناطق آزاد تجاری ایران. تهران: انتشارات جغرافیا.
۸. سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم و وحیدی، نادر. (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی و قدرت نرم. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۲(۱)، ۷۵-۹۸.
۹. فرشیدی، پرویز. (۱۳۹۰). مدیریت مناطق ویژه اقتصادی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۱۰. قورچی، مهرداد و کاویانی‌راد، مرتضی. (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی و توسعه منطقه‌ای. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۳(۲)، ۴۵-۶۱.
۱۱. کرمی، عزت‌الله. (۱۳۷۰). مناطق آزاد تجاری و نقش آن در توسعه. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. ملایک، اسفندیار؛ آقایی، سیدداود و حیدری، محمدتقی. (۱۳۹۰). دیپلماسی تجاری و الزامات نهادی آن در جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه بازرگانی (۵۹)، ۱-۳۶.

۱۳. واعظی، سید محمود. (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی و قدرت نرم. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۴(۱)، ۱۵-۳۴.
۱۴. وحیدی، نادر. (۱۳۸۶). تحول در کارکردهای دیپلماسی. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۴(۴)، ۳۷۴-۳۵۰.
۱۵. وایت، برایان. (۱۳۷۹). دیپلماسی و سیاست خارجی (حسین شریفی طرازکوهی، مترجم). تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. (تاریخ انتشار اثر اصلی: ۲۰۰۱)
۱۶. متقی دستنئی، افشین؛ جهانگیری زرکانی، مجتبی و قربانی سپهر، آرش. (۱۴۰۵). تحلیل پیشران‌های ژئواکونومی توسعه استان هرمزگان بر اساس اقتصاد دریامحور. فصلنامه جغرافیا (برنامهریزی منطقه‌ای)، ۱۶(۶۲)، ۱۰۳-۱۲۴.
۱۷. متقی، افشین؛ قربانی سپهر، آرش و جهانگیری، مجتبی. (۱۴۰۳). نقش دیپلماسی مناطق آزاد بر توسعه جزایر سه‌گانه ایرانی. همایش ملی توسعه پایدار از پنجره جزایر ایرانی خلیج فارس. تهران: دانشگاه خوارزمی، آذر ۱۴۰۳.

18. Agnew, J. (2005). *Hegemony: The new shape of global power*. Temple University Press.
19. Alam, S. (2014). *The Persian Gulf: Geography, politics and security*. Routledge.
20. Barston, R. P. (2006). *Modern diplomacy* (3rd ed.). Pearson Education.
21. Becker, G. S. (1964). *Human capital: A theoretical and empirical analysis*. University of Chicago Press.
22. Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2017). *Designing and conducting mixed methods research* (3rd ed.). Sage Publications.
23. Cull, N. J. (2009). *Public diplomacy: Lessons from the past* (CPD Perspectives on Public Policy, Paper 2). University of Southern California, Center on Public Diplomacy. <https://doi.org/10.25549/cpd-c119-988>
24. Dodds, K., Kuus, M., & Sharp, J. (Eds.). (2013). *The Ashgate research companion to critical geopolitics*. Ashgate.
25. Farole, T. (2011). *Special economic zones in Africa*. World Bank. <http://documents.worldbank.org/curated/en/996871468008466349>
26. Flint, C., & Taylor, P. J. (2018). *Political geography* (7th ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315164380>
27. Gause, F. G. (2010). *The international relations of the Persian Gulf*. Cambridge University Press.
28. Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., & Anderson, R. E. (2019). *Multivariate data analysis* (8th ed.). Cengage Learning.
29. Hufbauer, G. C., Schott, J. J., & Elliott, K. A. (2009). *Economic sanctions reconsidered* (3rd ed.). Peterson Institute for International Economics.
30. Johnson, R. B. (2018). *Educational research* (6th ed.). Sage Publications.
31. Johnston, R. J., Gregory, D., Pratt, G., & Watts, M. (Eds.). (2016). *The dictionary of human geography* (5th ed.). Wiley-Blackwell.
32. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1973). Power and interdependence. *Survival*, 15(4), 158-165. <https://doi.org/10.1080/00396337308441409>
33. Madani, D. (1999). *A review of the role and impact of export processing zones*. World Bank.
34. Malone, G. D. (1985). *Political advocacy and cultural communication*. University Press of America.
35. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511808678>
36. Nye, J. S. (2008). *The powers to lead*. Oxford University Press.
37. Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research and evaluation methods* (4th ed.). Sage Publications.
38. Rodriguez-Pose, A., & Hardy, D. (2015). Firm competitiveness and regional disparities in Georgia. *Journal of Regional Science*, 55(1), 47-68.
39. Ruel, H., & Zuidema, L. (2012). *Commercial diplomacy and international business*. Emerald Group Publishing. [https://doi.org/10.1108/S1877-6361\(2012\)0000009007](https://doi.org/10.1108/S1877-6361(2012)0000009007)
40. Sachs, J. D. (2015). *The age of sustainable development*. Columbia University Press.
41. Schumpeter, J. A. (2021). *The theory of economic development*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003146766>
42. Snow, N. (Ed.). (2009). *Routledge handbook of public diplomacy*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429465543>
43. Torbat, A. E. (2018). *Politics of oil and nuclear technology in Iran*. Palgrave Macmillan.

44. UNCTAD. (2019). World investment report 2019: Special economic zones. United Nations.
45. World Bank. (2017). Special economic zones: An operational review of their impact. World Bank Group. <https://doi.org/10.1596/29054>
46. Yin, R. K. (2018). Case study research and applications (6th ed.). Sage Publications.